

## استخراج از جفر جامع:

هر چند این علم شریف را قواعد بسیاری است و طرق بیشماری و هر کدام از صاحبان این فن بطوری خاص طی طریق فرموده و راهی به آن یافته اند و جمع بسیاری هم به دروغ مدعی داشتن این علم بوده و هستند و اوراق پاره های زیادی از خود باساختگی انتشار داده و موجبات سرگردانی بسیاری شده اندکه کمتر ضرر آن بیهوده وقت گذرانیدن بوده و هست و از اینباب مسئولیت عظیمی گردن گیر آنها است لکن اصل این علم بر مبنای صحیحی است که بسیاری از بزرگان به آن دست یافته و از جهت اینکه مبادا موجب اختلال نظام و ملعيه عوام گردد طریقه اخذ مستحصله آنرا مخفی داشته تا دستاویز اشخاص نا لایق نگردد زیرا که ارباب طمع بسیار و در طریق جهالت رهسپارند از این راه بحکم المرء عدوٰ لما جهله با کسانی که سالک این طریقند بحزم آنکه به آنها تعلیم داده نمی شود صاحبان این علم را هدف یاوه گویی و انتقاد خود قرار می دهند بهر کیفیتی که باشد . آری دشمن طاووس پریوال او است . حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب استعلام معاویه از آنحضرت میفرماید " ان الحكم کتموها لکیلا يتلاعپ به الناس " یعنی حکما کتمان کردد آنرا تا مردمان با آن بازی نکنند در هر حال مصنف و مؤلف در نظر گرفتم قاعده مضبوطه ای را که نتیجه رحمات چندین ساله اینجانب است که بر اساس محکم علمی استوارد و دو تا چهارتا در اینباب از خود در صفحه روزگار بیاد گار گذارم هر چند بر خلاف رویه گذشتگان باشد و آن قاعده اتصالات است که در تشریح و توضیح آن احدی بر من سبقت نگرفته و بی پرده سخن نگفته چنانچه اشخاص مبتدی هم که فی الجمله ارتباطی دارند این معنی را تصدیق خواهند کرد ولیکن پس از مطالعه و بررسی کردن آنچه که در این کتاب مینویسم اکنون شرح و بیان قاعده شریفه را که مشتمل است بر چهار مقدمه و دو باب و یکخاتمه بعرض عرض علاقه مندان میگذارم .

که هستی را نمیبینم بقائی

غرض نقشی است کز ما باز ماند

## مقدمه اولی

بدانکه جفر زبان اهل فن علمی است که بآن شناخته میشود اتصالات حروف ابجده بیست و هشت گانه بیکدیگر برای تحصیل ثمرات مجھوله و فائده آن دانستن وقایع و حوادث مجھوله و امور مبهمه است از گذشته و حال و آینده که آنها حاصل نمی شود مگر به دانستن احکام اتصالات حروف بیکدیگر و موضوع آن حروف بیست و هشتگانه ابجده است.

## مقدمه ثانیه

اتصالاتی که در این علم باید دانست و هنگام عمل بکار برد بر سه قسم است :  
اول : اتصال کلی جامع - دوم : اتصال عنصری - سوم : اتصال مرتبه ای  
اتصال در سه فصل بیان خواهد شد .

## فصل اول:

اتصال کلی جامع آنستکه حروف بیست و هشت گانه ای که بیکدیگر اتصال پیدا میکنند مشتمل میشوند بر هفتتصو هشتاد و چهار صورت که از ضرب بیست و هشت در بیست و هشت حاصل میشوند زیرا که حروف ابجد بیست و هشت میباشند و هر یک از آنها بیست و هشت قسم اتصال میکند لهذا از ضرب بیست و هشت در خود حاصل ضرب هفتتصو هشتاد و چهار میشود و بهمین جهت است که این اتصال را اتصال کلی جامع میگویند- برای اینکه عدد آن معلوم باشد و هنگام عمل معطل نمایی

جدول زیر نظر نما:

ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
۲۲۴	۱۹۶	۱۶۸	۱۴۰	۱۱۲	۸۴	۵۶	۲۸
ع	س	ن	ه	ل	ک	ی	ط
۴۴۸	۴۲۰	۳۹۲	۳۶۴	۳۳۶	۳۰۸	۲۸۰	۲۵۲
خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف
۶۷۲	۶۴۴	۶۱۶	۵۸۸	۵۶۰	۵۳۲	۵۰۴	۴۷۶
		غ	ظ	ض	ذ		
		۷۸۴	۷۵۶	۷۲۸	۷۰۰		

و نیز برای سهولت در عمل جدول طرح درجی اتصال کلی را نوشتیم تا واضح باشد

ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸
ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک
۲۰	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۲	۴	۶	۸
	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	
	۴	۶۰	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	

اتصال کلی دو طرح دارد یکی طرح درجی یکی طرح منازلی چنانچه شرح داده خواهد شد برای سهولت و آسانی عمل جدول

طرح منازلی هم شرح داده میشود در نظر بگیرید:

**جدول طرح منازلی**

ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک
۴	۱۶	۶	۲۴	۱۴	۴	۲۲	۱۲	۲	۲۰
	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	
	۲۰	۴	۱۶	۲۸	۱۲	۲۴	۸	۲۰	

این دائره و دائره های پشت این صفحه در اتصال جامع کلی بکار می آید برای طرح درجی و منازلی

**دائره اهتمامی**

ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا	آتشی
ض	ت	ص	ن	ی	و	ب	بادی
ظ	ث	ق	س	ک	ز	ج	آبی
غ	خ	ر	ع	ل	ح	د	حکای

این دائره در اتصال طبعی بکار میاید و طرح آن طرح افلاکی است

## فصل دوم

باید دانست هر حرفی که بحرف دیگر متصل شود باعتبار طبیعتی که دارند احکامی برای آنهاست که باید مستخرج آنها را بداند تا در وقت عمل سرگردان نماند و این اتصال طبیعی و عنصری گویند زیرا که حروف بیست و هشتگانه هفت حرف از آن آتشی و هفت حرف بادی و هفت حرف آبی و هفت حرف خاکیند که دائمه اهتمی بالاز آن تشکیل داده شده و آنها از ضرب چهار شانزده صورت حاصل ضرب پیدا میکند باعتبار ماما ثل بودن و موافق بودن و مخالف بودن و ضد و نقیض بودن فلذا بواسطه اختلافی که دارند بعضی طالب و مطلوب و بعضی ضد و نقیض و بعضی مخالف با یکدیگرند برای مزید آگاهی جدول آینده را ترسیم نمودم.

## جدول طبایع حروف با هم دیگر

### فصل سوم

از جمله آنچه که برای استخراج در این قاعده لازم است دانستن آن احکام اتصال مرتبه ایست و آن عبارت است از اتصال آحاد با آحاد و عشرات با عشرات و ماتاً با ماتاً و الف با الف و این مراتب چهارگانه به جهار قسمت منقسم میشوند و از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب میشود و احکام هر یک از اتصالات ذکر خواهد شد انشاء الله تعالى شأنه

## مقدمه چهارم

در کیفیت و آداب سؤال کردن و آن مشتمل است بیرون از این امر.

اول: سؤال را با ساعت روز یا شبی که سؤال میشود با نام مکان سؤال بحروف مقطعه بنویس همه را در یک سطر بر دیف خود با مکررات حروف که این عمل را اهل این فن در اصطلاح خود رقم گویند.

دوم: رقم هندسی هر یک را بحساب ابجد کبیر در زیر آن مرتب بنویس پس از آن همه اعداد رقمها را جمع کن این حاصل جمع را مدخل ابجدی مینامند.

سوم: اعداد رقمهای حروف سؤال را تنزل بده یعنی عشرات حروف آن را رد باحاد کن و مات را رد بعشرات کن و الف را رد به مات کن.

چهارم: هر یک از اعداد ارقام حروف را بزیاد کردن یک مرتبه ترقی بده و آنرا جمع کن و حاصل آن جمع را مدخل و سیط مینامند لکن باید رقمهای اعدادی که در گرفتن مدخل صغیر تنزل داده شد بحالت قبل از تنزل گذارد یعنی اگر از عشرات بوده بهمان حال باقی باشد و اگر از مات بوده بحال ماتی باقی باشد و اگر الف دارد چون قابل تنزل نیست آن را ده حساب کرد و آنچه در مدخل صغیر بهمان احوال باقی بوده آنرا نیز ترقی باید داد.

پنجم: پس از آن دو حاصل جمع اعداد مدخل صغیر را با حاصل جمع اعداد مدخل وسیط را جمع کن این دو مدخل را مدخل کبیر گویند.

ششم: پس از آن اعداد چهار مدخل را بترتیب سطري کن پس از استنطاق و ملفوظي کردن آن اعداد.

هفتم: مکرات سطر سؤال را که سطر اول عمل بوده بینداز و آنچه غیر مکرر است به آخر سطر استنطاق ملحق کن و همه را یک سطر کن یتربیت این سطر را سطر اساس گویند تا اینجا همه مقدمه بود پای تشکیل این سطر.

هشتم: بعد از اینکه سطر اساس را منظم کرده در زیر هر حرفی از آن نظیره ابجده ای از آن حرف را بنویس و سطر نظیره را تمام کن. و بدانکه هر حرفی در دائره ابجد پانزدهم حرف آن نظیره آنحرف است مثلاً حرف الف در ابجد نظیره آن سین است و بالعکس و نظیره با غیر است و بالعكس و هکذا باقی حروف.

جدول نظیره ابجدی از اینقرار است:

ن	م	ل	ک	ل	ی	ک	ه	ت	و	ه	د	ج	ب	ا	اساس
غ	ظ	ض	ذ	ض	ت	ث	خ	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	نظیره

نهم: پس از آن سطر نظیره ابجدی را از دائره ایقبح نظیره بگیرد و در دائرة ایقبح نیز حرف پانزدهم آن نظیره همان حرف است و بالعکس  
دائره ایقبح این است :

ت	م	د	م	ل	ش	د	ج	ل	ک	ر	ب	غ	ق	ی	ا	اساس
ظ	ص	ض	ط	ف	ض	ط	ذ	ح	ز	ع	خ	س	و	ن	نظیره	

دهم: سطر نظیره اهطمی بگیر بهمان نحو که گفته شد که حرف پانزدهم نظیره آنحرفت است و بالعکس دائرة این است چنانچه قبلاً هم نوشته شد .

دائره اهطم این است :

ض	ت	ص	ن	ص	ت	ب	و	ی	ن	ص	م	ط	ه	ا	اساس
غ	خ	ر	ع	ل	ح	د	ح	د	ظ	ث	ش	ف	م	ز	نظیره

برای اینکه رحمت عامل کمتر باشد جدول زیر را تنظیم کردم که در وقت نظیره گرفتن محتاج بدائره ابجد و ایقبح و اهطم نباشد و این جدول نظیره اهطمی است که از ایقبح گرفته شده و نظیره ایقبح از نظیره ابجد معروف گرفته شده که این جدول نظیره نظیره نظیره است برای اساس که بعد از تنظیم سطر اساس فقط از همین دائرة نظیره گرفته شود مقصود حاصل است (و دائرة اینست)

ن	م	ل	ک	ل	ی	ک	ه	ت	و	ه	د	ج	ب	ا	اساس
م	ب	ا	د	د	ر	ل	ق	ن	ح	خ	خ	ث	ص	ض	نظیره
غ	ظ	ذ	ض	ذ	ش	ت	ر	ص	ق	ف	ع	س	س	ا	اساس
ج	و	ه	ش	ش	ی	ط	ف	غ	ذ	ظ	ت	ع	نظیره	ج	نظیره

برای تقریب بذهن و خوب واضح شدن مقدمه قبل مثالی ذکر میکنم تا خوب مطلب واضح شود. مثال: در دو ساعت از روز جمده گذشته سؤال کردم (چه کنم که سعادت یابم).

و	د	م	م	ب	ا	د	ت	ی	ا	د	س	ع	ا	ب	ا	اساس			
۶	۴	۴۰	۲	۱	۱۰	۴۰۰	۴	۱	۷۰	۶۰	۵	۲۰	۴۰	۵	۲۰	۵	۳	اعداد ابجدی کبیر	
۶	۴	۴	۲	۱	۱	۴۰	۴	۱	۷	۶	۵	۲	۴	۵	۲	۵	۳	اعداد ابجدی صغیر تنزل	
۶۰	۴۰	۴۰	۲۰	۱۰	۱۰	۴۰۰	۴۰	۱۰	۷۰	۶۰	۵۰	۲۰	۴۰	۵۰	۲۰	۵۰	۳۰	اعداد ابجدی وسیط برتری	
ن	ا	ع	ت	ا	ز	ر	و	ز	ج	م	ع	ه	د	ر	ا	اساس			
۵۰	۱	۲۰۰	۵	۹	۲۰۰	۴	۵	۷۰	۴۰	۳	۷	۶	۲۰۰	۷	۱	۴۰۰	۷۰	۱۶۰	اعداد ابجدی کبیر
۵	۱	۲۰	۵	۹	۲۰	۴	۵	۷	۴	۳	۷	۶	۲۰	۷	۱	۴۰	۷	۱۶	ابجدی صغیر تنزل
۵۰	۱۰	۲۰۰	۵۰	۹۰	۲۰۰	۴۰	۵۰	۷۰	۴۰	۳۰	۷۰	۶۰	۲۰۰	۷۰	۱۰	۴۰۰	۷۰	۱۰۶۰	ابجدی وسیط ترقی

مدخل ابجدي	مدخل صغير	مدخل وسيط	مدخل كبير
۳۰۸۰	۲۸۰۰	۲۸۰	۲۰۸۰

باسقاط مازاد از هزار چهار مدخل از اینقرار است:

ابجدي	صغير	وسيط
کبير	۱۰۸۰	۱۸۰۰

۱۰۸۰	۱۸۰۰	۲۸۰
ف غ	ض غ	ض غ

ملفوظی: ف غ ف ر ف غ ض غ

مدخل اربعه استنطاق		مدخل اربعه		مدخل اربعه		مدخل اربعه		مدخل اربعه		مدخل اربعه	
۱۰۸۰	مدخل کبير	۱۸۰۰	ض غ	وسيط	ر ف	۲۸۰	صغير	۱۰۸۰	ک	ابجدي	استنطاق
							ی ب و		غ		
				ز ر ط				س ع ا د ت		ج ه ک ن م	غير مكرر حروف سؤال
		وز ر ط	د ت ی ب	م س ع ا	ج ه ک ن	ض غ	ف غ ف ر				سطر اساس
		ر ش و ث	ص ح خ ع	ظ ا ب س	ف ق ذ غ	ل ن ج ن	ج ف ج و				سطر نظيره ابجدي
		ع ف ق ی	ت ل ب ر	ه ن خ غ	ش و ج س	ح ا ذ ا	ذ ا ذ ق				نظيره ايقني نظيره بالا
		ن ق ف ل	خ ی د ص	ز ع ت ض	ث ح ا م	و ج ظ ج	ظ ج ظ ف				نظيره اهتمي نظيره ايقني بالا
		م ض ص ل	د ف ف ج	ظ ظ ا ت	ح ع ی ق	خ ن ج ج	ظ و ث ز				مستحضره
	این چهار حرف مطلقاً تلافی ندارد	این چهار حرف ندارد آ و ق یک مگر در ف و ج	ظ و ظ تلافی ندارد ندارد طرح افلاکی و	طرح منازلی و بروجی دردو حرف اول نمیرود و حب مستحصته	چهار حرف بالا تلافی ندارد	چهار حرف بالا مستحضره مستحضره آن تلافی ندارد					
			یک طرح بروجی منازلی دارد	گرفتن تلافی دارد باید تلافی شود							
				داردو حروف مطلوب ی و ق تلافی در جی و منازلی ندارد ولی طرح بروجی دارد							

یازدهم: باید از سطر مستحضره مستحضره گرفته شود بقاعده اتصالات سه گانه

(کلی جامع و طبیعی عنصری و مرتبه ای) به طریقی که نموده میشود باید از برای هر حرفی چهار حرف تحصیل کرد این است معنای شعری که بعضی از اهل فن گفته اند:

### بقسمت چار کن هر حرف خود را شود مستحصله بهر تو آسان

و کیفیت اخذ چهار حرف برای هر حرفی را در باب اول شرح خواهیم داد انشاء الله

#### باب اول

در بیان طریق گرفتن چهار حرف از برای هر حرفی حروف مستحضره که این چهار حرف را مستحضره مستحضره مینامند بدانکه این چهار حرف را از سه اتصال نام برده شده می باید گرفت یک حرف از اتصال جامع کلی و یک حرف از اتصال طبیعی عنصری و دو حرف از اتصال مرتبه ای قاعده چنین است که دو حرف دو حرف باید عمل شود قبل از مقدمه گفته شد که تمام عدد اتصال کلی هفتصد و هشتاد و چهار است که عدد صفحات جفر جامع است که از ضرب بیست و هشت در بیست و هشت

حاصل شده چنانچه الف در عدد یکست و با هر یک از بیست و هفت حرف باقی اتصال پیدا می کند و همچنین سایر حروف اکنون طریق حرف گرفتن از اتصال کلی را برایت شرح میدهم و خوب دقیق باش و بفهم که چه می نویسم و تصدیق کن که واضح تر از این کسی ننوشته بدون لغز و معما و انصاف ده که هیچ مضایقه ای در پرده برداشتن از روی مطلب نکرده ام و برخلاف روش اهل فن بی اغماض پرده دری کرده ام و از خدا طلب آمرزش میکنم .

غرض نقشی است کز ما باز ماند  
مگر صاحبدلی روزی برحمت

که هستی را نمی بینم بقائی  
کند در حق درویشان دعائی

باری بعد از آنکه سطر نظیره را چهار چهار فاصله دادی نظر کن به دو حرف اول از چهار حرف اول ببین کدام یک از حروفند پس نظر کن در دائره اتصال کلی که جدول آن در مقدمه اول نوشته شده و عدد اتصال کلی حرف ما قبل آنرا ببین چقدر است با عدد ابجد وضعی حرف دوم جمع کن و حاصل جمع را سی سی طرح کن این طرح درجی گویند بعد از طرح ببین چند عدد باقیماند با عدد ابجد وضعی هر دو حرف جمع کن و ببیست و هشت بیست و هشت طرح کن و بعد آنچه باقی ماند از بعد حرف اول نظیره حرف بشمار و آنحرفی را که عدد به آن منتهی شد آن حرف را مستحضره مستحضره حرف اول بدان و باز بعد همان عددی که بعد از طرح ببیست و هشت باقی ماند بعد از حرف دوم نیز حرف بشمار بهر حرفی که منتهی شد آن مستحضره مستحضره حرف دوم است مثلاً دو حرف اول از چهار حرف اول سطر نظیره اخیر (ظ) (و) بود در دائره اتصال کلی نظر کردم حرف ماقبل آن (ض) بود و عدد آن هفتند و ببیست و هشت عدد ابجد وضعی حرف (و) که شش بود بر آن افزودیم هفتند و سی و چهار شد سی سی طرح کردیم چهارده باقی ماند عدد ابجد وضعی ظا که ببیست و هفت است و واو که شش است بر آن افزودیم جمماً چهل و هفت شد ببیست و هشت از آنرا طرح کردیم نوزده باقی ماند از بعد حرف طا در دائره ابجد نوزده حرف شمردیم بحروف ص رسید دانستیم که ص مستحضره مستحضره مستحضره ظ است از اتصال کلی آنرا نوشتم و از بعد حرف واو در دائره ابجد نیز نوزده حرف شمردیم بحروف ذ رسید دانستیم که ذ مستحضره مستحضره واو است آنرا نوشتم پس از برای هر یک از این دو حرف از اتصال کلی حرفی حاصل کردیم

#### قاعده کلیه

اگر عدد اتصال کلی قابل طرح درجی یا منازلی نباشد باید بطرح بروجی برده شود مانند دو حرف ن و ب و دو حرف ز و ع و در وقت مستحصله گرفتن تلافی شود از چهار حرف مستحضره باین نحو که پس از آنکه آن چهار حرف را بطرح منازلی بردیم آن طرحی که عمل نشده اگر درجی بوده یا طرح منازلی با هر دو هنگام مستحصله گرفتن بر عدد چهار حرف مستحضره اضافه میکنیم تا قابل طرح شود و بطرح میبریم چنانچه در دو حرف ز و ع اینکار را میکنیم مثلاً برای اینکه این مطلب خوب واضح شود میگوئیم عدد اتصال کلی ن و ب سیصد و شصت و شش عدد است به این بیان که حروف ماقبل ن در جدول اتصال کلی م است و آن سیزده ببیست و هشت است که جمماً سیصد و شصت و چهار میشود و عدد ب در دائره ابجد وضعی دو است که چون بر عدد مجموع کلی ن اضافه کنیم سیصد و شصت و شش میشود پس از آنکه بطرح درجی بردیم که قاعده کلیه این اتصال است شش عدد باقی میماند با عدد ابجد وضعی ن و ب که شانزده است چون اضافه کنیم ببیست و دو میشود که بطرح ببیست و هشت نیز که قاعده کلیه این اتصال است نمیرود لذا قاعده آن است که آنرا بطرح بروجی ببریم و در هنگام مستحصله گرفتن تلافی کنیم پس از طرح بروجی ده باقی میماند از بعد حرف ن در دائره ابجد ده حرف میشماریم بحروف دوازدهم میرسد و آن حرف ذ است پس مستحضره ن از این اتصال ذ میشود و از بعد حرف ب نیز ده حرف میشماریم یازدهم آن حرف م است پس مستحضره ب از این اتصال م است و برای تدارک و تلافی طرح بروجی بر عدد چهار حرف مستحضره اضافه میکنیم و تلافی طرح فوت شده را مینماییم و مستحصله میگیریم و اما در مثل دو حرف ز و ع عدد اتصال حرف ماقبل ن که و است در دائره اتصال کلی یکصد و شصت و هشت است و عدد حرف ع در دائره ابجد وضعی شانزده است مجموعاً یکصد و هشتاد و چهار میشود پس از آنکه بحسب قاعده بطرح درجی بردیم چهار عدد باقی می ماند چون به مقتضای قاعده عدد ابجد وضعی ن هفت و عدد وضعی ع شانزده جمماً هر سه با هم ببیست و هفت حاصل میشود و قابل طرح منازلی که قاعده این اتصال است نیست لذا آنرا بطرح بروجی میبریم بعد از طرح سه باقی می ماند از بعد حرف ن در دائره ابجد سه حرف میشماریم حرف چهارم که ک است از این اتصال برای ز مینویسیم و از بعد نیز در همان دائره سه عدد میشماریم حرف چهارم که ر است برای ع مینویسیم و در هنگام مستحصله گرفتن طرح فوت شده به شرحی که گفته شد تلافی میکنیم .

## اتصال عنصری طبیعی و احکام آن

پس از آنکه دو حرف از اتصال کلی بقایه معتبره مضبوطه برای دو حرف از سطر نظیره گرفتیم باید دو حرف هم از جدول و دائره اتصال طبیعی عنصری برای هر دو بگیریم لذا میگوییم بدانکه عمل این اتصال از دائره اهطمفسد است و این اتصال عبارت است از دانستن طبیعت دو حرفیکه با هم متصل شوند که اول عامل باید طبیعت این دو حرف را بداند و بعد به احکامی که دارد آشنا شود تا در وقت عمل سرگردان نشود پیش از این در مقدمه گفته شد اتصالاتی که در حروف حاصل میشود از شانزده صورت بیرون نیست :

۱- آتشی با آتشی	۲- بادی با بادی	۳- آبی با آبی	۴- خاکی با خاکی
۵- آتشی با بادی	۶- بادی با آتشی	۷- آبی با خاکی	۸- خاکی با آبی
۹- آتشی با خاکی	۱۰- خاکی با آتشی	۱۱- بادی با آبی	۱۲- آبی با بادی
۱۳- آبی با آتشی	۱۴- آتشی با آتشی	۱۵- بادی با خاکی	۱۶- خاکی با بادی

احکام این شانزده صورت بر چهار قسم است باعتبار تماثل و توافق و تخلاف و ضد و نقیض بودن و ما در اینجا حکم این چهار را در چهار قسمت بیان میکنیم

### قسمت اولی:

آنهایی هستند که با هم مماثل و موافقند در طبع و آنها عبارتند از چهار صورت اول آتشی با آتشی و بادی و آبی و خاکی با خاکی

### قسمت دوم:

آنهایی هستند که طالب و مطلوب یکدیگرند و آنها عبارتند از آتشی با بادی و بادی با آتشی و آبی با خاکی و خاکی با آبی

### قسمت سوم:

آنهایی هستند که مخالفند با یکدیگر و آنها عبارتند از آتشی با خاکی و خاکی با آتشی و بادی با آبی و آبی با بادی

### قسمت چهارم:

آنهایی هستند که ضد و نقیضند با یکدیگر و آنها عبارتند از آبی با آتشی و آتشی با آبی و بادی با خاکی و خاکی با بادی و احکام هریک از این چهار قسمت از اینقرار است

### و اماً قسمت اولی و ثانیه

پس هر گاه دو حرفیکه با هم متصل میشوند از حروف این دو قسمتند یعنی در طبع با هم موافقند عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم هرگاه جمع هر دو عدد قابل طرح افلاکی یعنی نه نه هستند نه نه طرح میکنیم بنحویکه بعد از این بمثال خواهی دانست و از دائره ابجد حرف میگیریم و حرف مطلوب این اتصال را بدست میاوریم و اگر قابل طرح افلاکی که قاعده کلیه این اتصال است نشد عدد مراتب همه حروف هم طبع آن را بر او میافزاییم و بطرح افلاکی میبریم و نتیجه میگیریم در اینجا برای اینکه خوب مطلب را دریابی چهار مثال برایت میاورم باقی را خودت بر آنها قیاس کن و غنیمت بشمار و خدای متعال را سپاسگذار باش

### مثال اول

در آجاییکه دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هردو قابل طرح افلاکی باشد مانند ف و ش هرگاه متصل شوند بدان که هر دو آتشی و موافق اند عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه ف در مرتبه پنجم آتشی است و

ش در مرتبه ششم آن پنج و شش را با هم جمع میکنیم یا زده میشود نه از آن را که یک طرح افلاکی و قاعده کلیه این اتصال است طرح کرده باقی دو میماند بعد از حرف ف در دائرة ابجد دو حرف میشماریم حرف سوم که ر میباشد مطلوب ف است در این اتصال مینویسیم و بعد از حرف ش نیز در همان دائرة دو حرف میشماریم و حرف سوم که خ باشد مطلوب ش است مینویسیم و میفهمیم که حرف ر مطلوب حرف ف و حرف خ مطلوب حرف ش است

#### مثال دوّم :

در آنجاییکه دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هر دو قابل طرح افلاکی که قاعده کلیه این اتصال است نباشد مثل ج و ج که هر دو آبی و موافق و عدد مرتبه هر دو با هم دو میشود و قابل طرح افلاکی نیست در چنین جائی حکم و قاعده آن این است که عدد مراتب حروف هم طبع ج را که حروف آبی است و آن بیست و هفت است بر عدد دو میافزاییم که جمعاً بیست و نه میشود پس از سه طرح افلاکی دو باقی میماند از بعد ج در دائرة ابجد دو حرف میشماریم و حرف سوم که و است مطلوب ج است آنرا مینویسیم چون هر دو حرف ج میباشد و مماثل مطلوب هر دو و میشود باقی حروف توافق را بهمین نحو قیاس کن .

#### مثال سوّم :

در آنجاییکه دو حرف طالب و مطلوب با هم دیگر متصل شوند مثل ض که حرف بادی و م که حرف آتشی است و این هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند خواستیم حرف مطلوب اتصال عنصری او را بست بیاوریم عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه مرتبه عدد ض هفت و عدد مرتبه م چهار است جمعاً با هم دیگر یا زده میشوند بطرح افلاکی میبریم دو باقی می ماند بعد از حرف ض در دائرة ابجد دو حرف میشماریم بحروف ع میرسد میفهمیم مطلوب حرف ض در دائرة ابجد ۱ و مطلوب حرف م ع است

#### مثال چهارم :

در آنجاییکه دو حرف طالب و مطلوب با هم دیگر متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نرود حکم این است که بطرح دیگری ببریم و بعد در گرفتن مستحصله تدارک نمائیم مثلاً اگر دو حرف طالب و مطلوب م و ی باشند که م آتشی و عدد مرتبه آن چهار و ی بادی و عدد مرتبه آن سه است جمعاً هفت میشود در دائرة ابجد بعد از حرف م هفت حرف میشماریم و حرف هشتم را که ش است مینویسیم و بعد از حرف ی در همان دائرة نیز هفت حرف میشماریم به حرف هشتم آن که صاد است میسیم میفهمیم که مطلوب حرف م در آن دائرة ش و مطلوب حرف ی ص است .

تصریه: در جمع عدد مرتبه ای اتصال عنصری موافق و مخالف قاعده این است که اگر عدد مرتبه دو حرف قابل طرح نشد باید بطرح دیگر غیر افلاکی برد از طرح کوکبی یا عنصری و عمل کرد و اگر به هیچ طرحی نرفت عدد ماقبل یا ما بعد آنرا علاوه میکنیم و بطرح میبریم و در مستحصله تلافی میکنیم .

#### اما قسمت سوّم و چهارم :

چون احکام موافق و طالب و مطلوب را دانستی احکام مخالف و ضد ونقیض را هم بدان تا هنگام عمل معطل و سرگردان نمانی پس بدانکه احکام قسمت سوم و چهارم از اقسام چهار گانه اتصالات عنصری که عبارت از مخالف و ضد ونقیض باشد این است که اگر دو حرفی که با هم متصل شدند از قسمت مخالف یا ضد ونقیض باشند اگر عدد توالی مرتبه هر دو بطرح افلاکی که نه باشد رسید به همان همل کنند و اگر بطرح نه نرسید نظر کند بعدد مرتبه عدم توالی هر دو اگر به نه رسید نعم المطلوب و اگر آن هم به نه نرسید عدد توالی و عدم توالی هر دو را اگر بتواند با هم جمع کند و بطرح ببرد و الا بسایر طروح یا بهمان عدد که حاصل شده حرف باید گرفت و بعد در وقت مستحصله گرفتن تلافی طرح فوت شده را باید نمود در اینجا نیز برای توضیح چند مثال ذکر میکنم تا طالبین بیشتر از آن بهره مند شوند .

#### مثال اول:

در آنجاییکه دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد هر مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند ق و ف که عدد توالی قاف پنج و عدد توالی فاء نیز پنج است جمعاً ده میشود بطرح افلاکی میبریم یک باقی میماند از بعد حرف ق یک حرف در دائرة ابجد

میشماریم بحرف ش میرسد و از بعد حرف ف در همان دائره یکحرف میشماریم بحرف ق میرسد میفهمیم که مطلوب حرف ق در این اتصال ش و مطلوب حرف ف ق است

#### مثال دوّم:

در آنجائیکه دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نرسد مانند د و ش در اینجا دال یک عدد دارد و ش شش خلاف مرتبه عنصر دال پنج میشود و جمع عدد مرتبه هر دو هفت مجموع هفت با پنج دوازده میشود بطرح افلاکی میبریم سه باقی میماند بعد از حرف د دائره ابجد سه حرف میشماریم بحرف ح میرسد و بعد از ش نیز در همان دائره سه حرف میشماریم به ذ میرسد میفهمیم که در این اتصال ح مطلوب د و ذ مطلوب ش است

#### مثال سوّم:

در آنجائیکه دو حرف ضد ونقیض باهم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند ث و ط که عدد مرتبه ث شش و عدد مرتبه ط سه است با اینکه عدد هر دو یک طرح افلاکی است روی آن عمل نمیکنیم . بلکه در اتصال ضد ونقیض عدد ضد هر دو را باید گرفت چون حرف ث آبی و حرف ط ناری و هردو در ضدونقیض قاعده اینست که عدد ضد هر دو را بگیرند و به آن عمل کنند لذا در اینجا طبق قاعده عدد ضد هر دو را میگیریم و عمل میکنیم پس بدان که عدد ضد هر دو یازده میشود باین شرح که ث در مرتبه ششم عنصر آبی است و ط در مرتبه سوم آتشی و چهار و پنج که بین این دو است یازده میشود بطرح افلاکی میبریم دو باقی میماند پس در دائره ابجد بعد از حرف ث دو حرف میشماریم بحرف ض میرسد میفهمیم مطلوب حرف ث از این اتصال ض است و همچنین نیز بعد از حرف ط در آن دائره دو حرف میشماریم به حرف لام میرسد میفهمیم مطلوب حرف ط در آن ل است

#### قاعده مهمّه

در اتصال مخالف عنصری اگر به توالی بردیم و طرح کردیم برحسب قاعده و ناطق نشد برمیگردیم و حروف عنصر را از عدم توالی میگیریم اگر باز ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو جمع میکنیم اگر بطرح رسید طرح می کنیم و اگر بطرح نرسید از همان عدد حرف میگیریم و بعد وقت مستحصله گرفتن تلافی می کنیم تا ناطق شود در هر حال ملاحظه نطق را باید کرد

#### تبصره

بدانکه حروف آتشی و بادی و آبی و خاکی هر یک هفت حرفند و هر عنصری که هفت حرف است بیست و هشت عدد دارد پس اگر در گرفتن مطلوب حرف از اتصال عنصری حروف قابل طرح نشد عدد مرتبه قابل را بر آن میافزاییم تا قابل شود چنانچه اگر حرف در مرتبه اول واقع باشد و قابل طرح نباشد عدد مرتبه شش حرف دیگر را بر آن میافزاییم تا قابل طرح شود مثلاً هر گاه دو حرفیکه با هم متصل شدند ج باشند دو عدد دارند و قابل طرح نیستند لذا عدد مراتب همه حروف آبی را بر آن دو میافزاییم و بطرح میبریم چنانچه ذکر شد .

#### در بیان اتصال مرتبه ای و احکام متعلقه به آن

بدانکه این اتصال را مرتبه ای گویند برای اینکه از روی مرتبه به آن عمل میشود و برای هر حرفی دو حرف از آن را باید گرفت و آن بر دو قسم است قسم اول از جهت مراتب چهارگانه آحاد و عشرات و مات و الف که از آن یک حرف برای هر حرفی گرفته میشود و این قسم طرح ندارد و قسم دوم از جهت مراتب عددی حرف که بلا مرتبه حساب شود چنانچه بعد از این خواهی دانست و این قسم طرح بروجی دارد و این اتصال باعتبار مراتبی که دارد بر شانزده نوع تصویر میشود از ضرب چهار در چهار : ۱-اتصال آحاد با آحاد ۲- اتصال آحاد با عشرات ۳- اتصال آحاد با مات ۴- اتصال آحاد با الف ۵- اتصال عشرات با آحاد ۶- اتصال عشرات با مات ۷- اتصال عشرات با مات ۸- اتصال عشرات با الف ۹- اتصال مات با آحاد ۱۰- اتصال مات با عشرات ۱۱- اتصال مات با مات ۱۲- اتصال مات با الف ۱۳- اتصال الف با آحاد ۱۴- اتصال الف با عشرات ۱۵- اتصال الف با مات ۱۶- اتصال الف با الف و احکام این شانزده نوع بر سه قسم است برحسب اختلافی که در حکم دارندو احکام آنها در ضمن سه قسمت بیان میشود :

## قسمت اول

در حکم اتصال آحاد با آحاد و آحاد با عشرات و عشرات با آحاد و عشرات با مآت و عشرات با مآت و مآت با آحاد و آحاد با مآت و الف با الف با مآت و مآت با عشرات و مآت با مآت و مآت با الف و الف با الف با الف با الف این ده صورت فقط در وقت عمل مرتبه جملی آنها گرفته میشود و بطرح بروجی میرود و اگر طرح قابل طرح نباشد حرف ماقبل آنها را بر آنها میافزاییم و بطرح میبریم و اگر پس از اضافه عدد حرف ماقبل یا ما بعد باز بطرح نرود آنرا بطرح دیگری از طروح که مقتضی باشد میبریم و حرف میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تدارک طرح فوت شده را میکنیم بشرحی که بعد از این گفته میشود و اگر هر دو حرف ماقبل نداشته باشد از همان عدد مرتبه خودشان حرف مطلوب آنها را میگیریم و هنگام مستحصله گرفتن تلافی میکنیم و بعد از این به مثالهایی که بیان میکنم کاملاً واضح میشود

## قسمت دوم

در حکم آحاد با مآت و عشرات با الف و مآت با آحاد و الف با عشرات و علت اختلاف حکم این قسمت با قسمت قبل از جهت یکمرتبه دور بودن دو حرف است از همدیگر و حکم هر یک از این چهار صورت این است که هر یک از دو حرفی که از این چهار صورت باشد عدد مراتب جملی آنها را نیز باید گرفت و عدد عدد مراتب جملی آنها را نیز باید گرفت و عدد ما به التفاوت مراتبی آنها را برابر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جملی ایشان افروز و حرف مطلوب را گرفت چنانچه بمثال بعد از این خواهی دانست.

## قسمت سوم

حکم آحاد و الف و الف و آحاد است بعلت دو مرتبه از همدیگر دور بودن پس هرگاه این دو نوع حرف با هم متصل شدند حکم این است که عدد مراتب جملی آنها را بگیرند و عدد تکسیری مراتب جملی آنها را نیز بگیرند و با عدد ما به التفاوت مراتب آنها را با همجمع کنند و بعد از طرح بروجی این اتصال از دائره ابجد بشرحیکه در اتصال قبل گفته حرف مطلوب هر یک را بگیرند و در هنگام مستحصله گرفتن نیز همین عدد ما به التفاوت بین آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آنها بیفزایند و پس از آن مستحصله بگیرند چنانچه به مثال بعد روش خواهی شد و فرق میان حکم این دو صورت با چهار صورت قبل این است که چون این دو صورت هر کدام دو مرتبه از هم دورند لهذا دو مرتبه عدد مابه التفاوت بین آنها را برابر عدد حاصل طرح ایشان میافزاییم یکی هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال عدد مراتب جملی و یکی در هنگام گرفتن مستحصله از خلاصه عدد حروف مطلوب و اما آن چهار صورت چون یکمرتبه از هم دورند یکمرتبه عدد مابه التفاوت ایشان را برابر عدد حاصل طرحشان میافزاییم و آن در هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال مراتب جملی است.

## توضیح مقال در شرح این اتصال

خلاصه کلام در این مقام بطور واضح آنکه این اتصال دو صورت دارد که بعد از گرفتن حرف مطلوب از اتصال عنصری چنانچه گذشت از این اتصال برای هریک از دو حرفیکه بیکدیگر متصل شوند دو حرف برای مستحضره میباید گرفت که یکی از این دو حرف از اتصال مرتبه جملی گرفته میشود و در این اتصال مرتبه جملی طرحی نیست فقط همین قسم از اتصال است که طرح ندارد و قاعده حرف گرفتن از این اتصال این است که دو حرفی که با هم متصل میشوند با ید بینیم مرتبه جملی هر یک از این دو حرف حرف بشماریم و حرف بعد از آنرا مطلوب آنحرف بدانیم برای تقریب بذهن مثالی چند ایراد میکنیم بقیه را بدانها قیاس کن

## مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد : مثلاً هر گاه دیدیم که ج با ج با هم متصل شدند چون هر دو آحادند هر کدام را یک حساب میکنیم جمعاً دو میشوند در دائرة ابجد بعد از ج دو حرف بشماریم حرف سوم مطلوب ج است و آن و است و چون هر دو حرف مماثلند برای هر دو و را میگیریم.

## مثال دوّم

حکم اتصال آحاد با عشرات : هر گاه دیدیم دو حرف که با هم متصل شده یکی آحاد و دیگری عشرات است مانند ه که آحاد است و م که عشرات است ه را یک و م را دو حساب میکنیم جمعاً سه میشود در دائرة ابجد بعد از ه سه حرف بشماریم

و چهارم آن که ط است برای ه مینویسیم و بعد از حرف م هم در در همان دائره سه حرف میشماریم و چهارم آنرا برای م مینویسیم و همین حکم را دارد هشت صورت دیگر که عبارت باشد از اتصال عشرات با آحاد و عشرات با مآت و عشرات با عشرات و مآت با عشرات و مآت با الف و الف با مآت و الف با مآت با مآت .

### مثال سوم

حکم اتصال آحاد با مآت : هر گاه دیدیم دو حرفیکه با هم متصل شده یکی آحاد است و یکی مآت مثلاً مانند د و ت دال را یکی حساب میکنیم و ت را سه جمعاً چهار میشود ما به التفاوت میان این دو یکمرتبه است لذا یک را بر حاصل جمع میفرزاییم پنج میشود در دائره ابجد بعد از حرف د پنج حرف میشماریم و حرف ششم که ای است مینویسیم و بعد از حرف ت در همان دائره ابجد پنج حرف میشماریم و حرف ششم که غ است مینویسیم و میفهمیم که مطلوب د و ت در این اتصال ی و غ است

### مثال چهارم

حکم اتصال عشرات با الف مانند ک و غ مثلاً هر گاه با هم متصل شوند ک را دو و غ را چهار حساب میکنیم جمعاً شش میشود چون ما به التفاوت بین این دو یکمرتبه است یک را بر شش اضافه می کنیم هفت میشود در دائره ابجد بعد از حرف ک هفت حرف میشماریم و حرف هشتم را که ق است مینویسیم و بعد از حرف غین نیز هفت حرف میشماریم و حرف هشتم که ح است مینویسیم پس مطلوب ک و غ در این اتصال ق و ح است و همین حکم را دارد مآت با آحاد و الف با عشرات

### مثال پنجم

حکم اتصال آحاد و الف مانند و وغ هرگاه با هم متصل شوند مرتبه و یک و غ چهار جماعاً میشود ما به التفاوت بین آنها دو است بر چهار میافزاییم شش میشود در دائره ابجد بعد از حرف و شش حرف میشماریم و حرف هفتم که م است مینویسیم و بعد از غ نیزشش حرف میشماریم و حرف هفتم که ز است مینویسیم و اتصال الف با آحاد نیز همین حکم را دارد و فرق میان این مثال و مثال سابق و نحوان اینست که در این مثال و مثل آن که الف و آحاد است مابه التفاوتی که دو مرتبه میان آنها است دو بار باید اضافه شود یکبار در این اتصال و یکبار در وقت مستحصله گرفتن بخلاف چهار صورت قبل چنانچه قبلاً هم ذکر کردم .

### و اماً صورت دوم از اتصال مرتبه ای

و آن اتصال مرتبه عددی جملی است که حرف چهارم را برای مستحضره از این اتصال باید گرفت و آنها بر حسب اختلافی که دارند چنانچه از پیش ذکر شد بر سه قسمند و هر قسمی را حکمی جداگانه است ده صورت آن حکمی دارد و چهار صورت آن حکمی و دو صورت آن حکمی برای هریک از این سه قسم مثالهایی ذکر میکنیم تا مطلب بخوبی واضح شود و در این صورت از این اتصال طرح بروجی باید بشود که قاعده کلیه آن است و اگر بطرح بروجی نرفت حرف ما قبل آنرا بر آن میافزاییم و بطرح میبریم و اگر باز قابل طرح نشد بطرح دیگری که مقتضی باشد از قبیل طرح کواکبی یا طرح عنصری میبریم و در وقت مستحصله گرفتن طرح فوت شده را تلافی میکنیم چنانچه بعد از این شرح داده میشود اکنون برای مزید اطلاع خاطر نشان مینماییم :

### مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد در اتصال مرتبه عددی جملی : هرگاه آحادبا آحاد متصل شود و عدد مرتبه جملی آن قابل طرح باشد مانند اتصال و وط میگوئیم عدد مرتبه ای و شش و عدد مرتبه ای ط نه است جماعاً پانزده میشود پس از طرح دوازده که یک طرح بروجی است سه باقی می ماند در دائره ابجد بعد از حرف و سه حرف میشماریم حرف چهارم که ای است مطلوب حرف و میشود مینویسیم و بعد از حرف ط نیز سه حرف در همان دائره میشماریم حرف چهارم م است و آن مطلوب ط نیز مینویسیم در اینجا چون بقاعده عمل شده هنگام مستحصله گرفتن تلافی ندارد

### مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات در اینصورت اتصال هر گاه آحاد با عشرات متصل شود مانند ح و ص عدد مرتبه ای ح هشت و عدد مرتبه ای ص نه میشود جماعاً هفده میباشد پس از طرح دوازده پنج باقیماند در دائره ابجد بعد از حرف ح پنج حرف میشماریم

حروف هشتم که ن است میگیریم و بعد از حرف ص در آن دائره نیز پنج حرف میشماریم حرف هشتم خ را میگیریم پس مطلوب ح و ص ن و خ میشود

### مثال سوم

حکم اتصال آحاد با آحاد : در جاییکه بطرح بروجی نرود مانند ج و د که عدد سه و عدد دال چهار است جمعاً هفت میشود و آن قابل طرح بروجی نیست عدد ما قبل هر دو حرف را بر هفت اضافه می کنیم تا قابل طرح شود مثلاً ماقبل ج الف و باء است و ماقبل د الف و باء و جیم است عدد ما قبل ج سه و عدد ما قبل دال شش آنها را بر هفت اضافه میکنیم شانزده میشود پس از یکطرح بروجی چهار میماند بعد از حرف ج از دائره ابجد چهار حرف میشماریم و حرف پنجم که ح باشد مطلوب ج است آنرا میگیریم و بعد از حرف دال نیز چهار حرف میشماریم و حرف پنجم که ط و مطلوب د است میگیریم .

### مثال چهارم

حکم اتصال آحاد با آحاد : در جاییکه بطرح بروجی نرود و عدد ما قبل آن نیز هر گاه اضافه شود باز هم وفا بطرح دیگر نکند مانند ب و ب مثلاً که هر دو در مرتبه آحادند آنها را دو حساب میکنیم و با دو عدد که ما قبل آنها است چهار میشود چون چهار بکطرح عنصری است در دائره ابجد بعد از حرف ب چهار حرف میشماریم و حرف پنجم که ز باشد میگیریم و چون دو حرف مماثلند مطلوب هر دو ز میباشد و اگر دو حرفی باشد که ما قبل آن از چهار هم کمتر باشد مانند الف و الف که ما قبل آنها دو عدد است و به هیچ طرحی نمیرود برای هریک دو حرف از دائره ابجد میشماریم و حرف از دائره ابجد میشماریم و حرف سوم که د است برای هر دو مطلوب میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تلافی میکنیم .

### مثال ششم

حکم اتصال مآت با آحاد : مانند ت و ط تاءدر مرتبه مآت سه حساب میشود و طاء در مرتبه آحاد یک جمعاً چهار میشود چون بطرح بروجی نمیرود عدد مرتبه ما قبل ت که سه است با عدد حروف ما قبل طا که هشت است و جمعاً یازده میشود بر عدد چهار میافزاییم جمعاً پانزده میشود بعد از طرح دوازده سه باقی می ماند در دائره ابجد بعد از حرف ت سه حرف میشماریم حرف چهارم که م است مطلوب ط خواهد بود در اینجا مابه التفاوت آحاد و مآت باید اضافه شود مطلوب ظ و ن میشود اشتباه شد .

### مثال هفتم

حکم اتصال عشرات با الف مانند اتصال ع با غ را در مرتبه عشرات است هفت حساب کن و غین در مرتبه الف یک حساب کن جمعاً هشت میشود چون قابل طرح بروجی نیست عدد بلامرتبه حروف ما قبل غین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن بیست و نه میشود بعد از دو طرح بروجی پنجباقی می ماند از بعد عین در دائره ابجد پنج حرف بشمار عدد مراتبی عین که دو است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعاً شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزاییم یازده میشود در دائره ابجد بعد از حرف عین یازده حرف میشماریم حرف دوازدهم که غ است مطلوب ع خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف میشماریم حرف دوازدهم ل است و آن مطلوب غ خواهد بود .

### مثال هشتم

حکم الف با عشرات: مانند ی و غ و ی غین در مرتبه چهارم و ی در مرتبه دوم است جمعاً شش میشود قابل طرح بروجی نیست غین در مرتبه عددی یک و یا هم دو مابه التفاوت دو میشود بر شش میافزاییم جمعاً هشت میشود بطرح کواکبی میبیم یک باقی می ماند از بعد حرف غ در دائره ابجد یکحرف میشماریم حرف دوم که ب است مطلوب غ است و از بعد حرف یا نیز در آن دائره یکحرف میشماریم حرف دوم که ل است مطلوب ی است باقی اقسام صورت دوم این اتصال را از مثالهایی که ذکر شد یعنی در آنها قیاس کن.

### بیانی دیگر و سوالی دیگر:

## جدول سوال:

اسم وصی بلا فصل محمد علی ابن ابی طالب است.

## شـ حـ حـگـونـگـ استـخـ اـحـ حـواـبـ اـزـ سـواـاـ

بدانکه مستحصله از جمله علومات مکنونه است و این اتصال اتصالات کلیه جامعه هر حرفی را جداگانه حکمی است که بدان استخراج مستحصله از جفر جامع نمایند و هر حرفی را جهت سهولت حصول روشی دیگر است که نوع دوم از اتصالات و آن عنصری است . اتصال طبیعی نیز گویند مثل آتش و باد و خاک و آب که آتش با آتش و باد با باد و آب با آب و خاک با خاک اتصال حرف عنصری چهار است که مجموعاً ۱۶ نوع می باشد سوم اتصال مراتبی است و آن اتصال یکان به یکان و صدگان به صدگان و هزارگان به هزارگان و هر یک نکته پس از گرفتن مداخل اربعه رقم حروف از ترکیب سؤال اول اساس بعد نظیره ایجد و بعد نظیره ایقه و بعد نظیره اهطم و پس از ترکیب نوشتمن چهار

حرف در یک خانه و بعد از اتصال و تقسیم گرفتن مطلوب که مستحضره است و بعد از مستحضره گرفتن مستحصله از مطلوب مستحضره و بعد نظیره ابجده بعد تکسیر صدر و موخر کنید تا جایی که ناطق شود. هر چهار حرف را جزء و صفحه و سطر و خانه قرار داده و در سؤال فوق چهار حرف زمام مستحضره ص / جزء - م / صفحه ج / سطر - ج / خانه بعد از قرار دادن جزء و صفحه و سطر و خانه دو حرف اول یعنی جزء و صفحه را از اتصال جامع و اتصال عنصری و اتصال مراتبی جملی و عدد مراتبی جملی هشت حرف مستحضره استخراج کرده مثال ص / م از اتصال جامع عددی گرفتیم ۴۸۹ عدد داشت بر طرح درجه بردیم ۹ باقی ماند چون قاعده این است بعد از طرح درجه حاصل را باید به طرح منازل برد که در اینجا نیز ۹ باقیمانده و به طرح منازلی نمی روید عدد جزء و صفحه ص / م را اضافه کردیم یعنی ۱۳ حرف میم از ابجد وضعی بر ۹ افزودیم ۲۲ شد صاد که در مقام مرتبه ۱۸ افزودیم ۲۲ شد و ۴۰ را طرح منازل کردیم ۱۲ ماند از جزء ۱۸ ، ۱۲ جزء شمارش کردیم به جزء ۲ رسیدیم حافظه ۲ که مطلوب جزء ۲ که جیم بود رسیدیم و جیم را از اتصال جامع برای جزء ۱۸ مستحضره مستحضره قرار دادیم ص / ج شد و همچنین از صفحه ۱۳ باز ۱۲ صفحه شمارش کردیم به صفحه ۲۵ رسیدیم و ما بعد او صفحه ۲۶ یعنی ض را برای مستحضره میم نوشتیم از اتصال عنصری برای جزء یک حرف و برای صفحه یک حرف و برای سطر یک حرف باید بگیریم به این طریق صاد و میم ص از حروف بادی بود و میم از حرف آتشی با هم طالب و مطلوب بودند که به حکم طالب و مطلوب و دهگان با دهگان مستحضره می گیریم ، صاد در مرتبه ۵ بود و میم در مرتبه ۴ که جمماً ۹ شد و بر طرح افلاکی که قاعده کلی این اتصال است طرح کردیم همان ۹ ماند و آن را حاصل دانستیم از جزء ۱۸ به عدد ۹ جزء شمارش کردیم به جزء ۲۷ رسید مطلوب جزء ۲۷ و جزء ۲۸ بود آن را گرفتیم برای صاد از اتصال عنصری غین را مستحضره نوشتیم و همچنین از اتصال عنصری برای میم مستحضره می گیریم به این طریق ۹ صفحه از صفحه ۱۳ شمارش کردیم به صفحه ۲۲ رسید که ما بعد صفحه ۲۲ یعنی ۲۳ مطلوب بود حرف ث را برای مستحضره میم نوشتیم و از اتصال مراتبی جمع دهگانی صاد و میم عدد و مکرتبه هر دو ۴ بود این اتصال طرح ندارد ۴ حرف از جزء ۱۸ شمارش کردیم به ۲۲ رسیدیم حافظه جزء ۲۲ جزء ۲۳ بود که ث نوشتیم و از جزء ۱۳ به عدد ۴ صفحه شمارش کردیم که به ص رسید و از عدد مراتبی جمع دو حرف دیگر خواهیم گرفت عدد ص ۹ و عدد م ۴ با هم جمع کردیم ۱۳ شد در قاعده کلی این اتصال باید به طرح بروجی برود که در اینجا ۱ ماند از جزء ص یک حرف شمارش کردیم به قاف رسید و حافظ و مطلوب جزء قاف حرف صاد بود ، ر شد و از صفحه ۱۳ ، ۱۲ صفحه شمارش کردیم به ۱۴ رسیدیم و حافظ آن صفحه س بود و به ۴ حرف برای جزء ص مستحضره گرفتیم که بدینصورت ص = ج غ ث ر = ۱۷۰۳ و ۴ حرف برای م مستحضره گرفتیم که شد م = ض ث ص س = ۱۴۵۰ - می خواهیم برای میم مستحصله بگیریم اول مطلوب حرف ص را جمع کردیم ۱۷۰۳ بود طرح منازل کردیم باقی طرح ۲۳ شد و دوم عدد مطلوب میم را گرفتیم ۱۴۵۰ بعد از طرح ۲۸ ماند از جزء م ۴ حرف مستحضره م بدین نحو است جزء ۲۶ صفحه ۲۵ سطر ۱۸ خانه ۱۵ چون اولین اتصال بود از خود حرف س که خانه مطلوب م میباشد از س ۲۲ حرف حرف شمردیم به حرف ح رسید ح مستحصله حرف اول شد ص ح شد و میم مستحصله شمردیم ۱۷۰۳ بعد از طرح ۲۳ ۴ حرف مستحضره ص جزء ۳ صفحه ۲۸ و سطر ۲۵ خانه ۲۰ بود از خانه ۲۰ که ۲۳ حرف شمردیم یعنی از بعد ۲۰ که راست شمردیم به س رسید مستحصله م بدست آمد.

ص  
ح  
س

پس ۸ حرف مطلوب ص و م را جمع کرده هر ۴ حرف را در یکدیگر در آوردیم تا مستحضره سازیم از خانه جفر جامع از همان جزء همان صفحه و همان سطر خانه که ۴ حرف مطلوب ما بنمود در جفر جامع خانه خانه شمردیم در مستحصله ص را گرفتیم و همچنین حاصل مطلوب ص از خانه که ۴ حرف بود ۴ حرف مطلوب ص را در خانه شمردیم و مستحصله میم را گرفتیم پس ملزمت از نوشتی و حروفات مطلوب میم را در خانه دیگر و حاصل طرح ایشان را که حاصل مطلوب و مستحضره مستحضره گویند گرفته یا به همان عدد از جفر جامع خانه به خانه شمرده مستحصله حاصل کنیم برای همین ۴ مطلوب ص و ۴ مطلوب میم را در خانه نوشتیم

ن غ ث ص	۱۷۰۳
ض ث ص س	۱۴۵۰

اول مطلوب میم را برای مستحصله میگیریم به این نحو که ۱۴۵۰ بعد از طرح منازل ۲۲ ماند پس ۲۲ که خانه مطلوب میم ما را که نشان داده از جفر جامع شمردیم بعلت اینکه مطلوب میم ما را به خانه ۱۵ سطر ۱۸ صفحه ۲۳ جزء ۲۶ نشان داده بود چون نظر کردیم هجین حروفات را یعنی صفحه رسید حافظ خانه ۸ ح بود برای مستحصله ص نوشتیم و خواستیم مستحصله میم را بگیریم عدد مستحضره ص را گرفتیم که ۱۷۰۳ بود طرح منازل کردیم ۲۳ ماند از جزء ۳ و صفحه ۲۸ و سطر ۲۳ و خانه ۲۰ = ۲۳ حرف خانه به خانه شمردیم در سطر ۲۴ همان جزء و صفحه به خانه ۱۵ رسیدیم پس مستحصله م - س شد از ص گرفته شد دو حرف مستحضره دوم ج ح بود این اتصال را ثلث بردیم واز برای هر حرفی ۴ حرف مستحضره گرفتیم ما را به خانه جفر جامع راهنمایی نماید واز حاصل هر ۴ حرف که مستحضره مستحضره نامند از همان خانه که به ما نشان داده بودشماره نمودیم ومستحصله گرفتیم به این طریق که عدد ج با جیم از عدد اتصال کلی ۵۹ عدد یعنی عدد ماقبل حرف ج ب بود اتصال جامع کل ۵۶ بود وعدد حرف ۳ ج را افزودیم ۵۹ شد حاصل طرح درجاتی بردیم ۲۹ عدد شد چون هر دو یکان بودند در مرتبه اول جملی برای همین عدد سطر و جزء هر دو را اضافه کردیم ۳۵ شد طرح منازلی بردیم ۷ ماند از سطر ۳ بود ۷ سطر شمردیم به سطر ۱۱ رسیدیم پس مطلوب ج ک شد همچنین از خانه ۳ که ج دوم بود ۷ حرف شمردیم ایضا" به حرف ک رسید و از عدد اتصال عنصری ج و ج هر دو آبی بودند و با هم همطبع بودند چون هر دو در مرتبه اول آبی بودند و ۲ عدد داشتند دو عدد قابل طرح نبود عدد مراتب همه حروف آبی بود جیم را که ۶ حرف بود و عدد مراتب طبع ۲۷ بود بر عدد مراتب ایشان که ۲ بود افزودیم ۲۹ شد به طرح بروجی بردیم چون عدد اضافه شد به طرح بروجی نمیرود ولی بعدا" باید تلاقی شود به طرح افلاکی بردیم ۶ عدد حاصل شد از سطرج در سطر شمردیم به سطر ۶ رسید چون حافظ سطر ۶ حرف واو بود مطلوب ج اول حرف واو شدو ج ثانی ایضا" بحروف واو رسید طرح بروجی کردیم از طرح بروجی نمودیم از طرح بروجی ۲۹ = ۲ عدد باقی ماند از سطرج ۲ حرف شمردیم به واو رسید اما از مورد اتصال مراتبی است ج ج یکان با یکان سابق مذکور شد که اتصال مراتبی بر ۲ نوع است مراتب جمل عددی چون از حقیقت هر دو اتصال مراتبی است برای همین یک سطر طرح داشت و اتصال جملی چون ۱۶ عدد بود و اتصال عددی ۳۶ عدد حاصل طرح از این اتصال بر گرفتیم جمل هر دو بود از این طرح دو سطر شمردیم به حرف واو رسید مطلوب ج اول از این اتصال حرف واو شد و در خانه دیگر از خانه ج شمردیم به حرف واو رسید این شد حرف مطلوب اما دو حرف دیگر افزودیم ۱۲ عدد شد به طرح بروجی بردیم از سطرج شمردیم پس از ۱۲ سطر به سطر ۴ رسید ایضا" از ج ثانی ۴ پس هر ۴ حرف را در یک خانه نوشتیم

ج	ک	و	ع	ج
ع	ک	و	ع	ج

عدد حاصل مطلوب هر دو ۱۶۶ به طرح منازلی بردیم بعد تلاقی نمودیم ۱۲ ماند از جزء ۱۱ صفحه ۶ سطر ۱۶ خانه ۱۴ - ۱۲ خانه شمردیم به حرف الف رسید ایضا" جیم ثانی را به حرف الف رسید بعد ۴ مستحضره هدوم ن - ب - م - ی هر حرفی را ۴ حرف مستحصله در عدد اتصال است ثلث گرفتیم باین طریق عدد اتصالات کلی ن - ب ۳۶۶ عدد بود طرح درجات کردیم ۶ ماند عدد جزء و صفحه را که ۱۶ بود اضافه کردیم ۲۲ شد قابل طرح منازلی نبود طرح بروجی کردیم ۱۰ شد از جزء ۱۴ دهم حرف نون باشد ده جزء شمارش کردیم به جزء ۲۴ رسید پس از او پس از او جزء ۲۵ بود و حافظ جزء حرف ذال بود برای مطلوب نون نوشتیم همچنین از صفحه ب ده حرف شمارش کردیم به صفحه ۱۲ که رسید صفحه بعد را گرفتیم حافظ خانه ۱۳ میم بود برای مطلوب ب نوشتیم و همچنین از اتصال عنصری مطلوب گرفتیم به این طریق که ن و ب هر دو بادی بودند حکم

موافق را اجرا می کنیم مراتب عنصری هر دو ۵ بود قابل طرح نبود عدد مراتب ماقبل ن را افزودیم مثل حرف ماقبل را که از اتصال عنصری ذکر کردیم و حرف ب که ماقبل نداشت که ۱۱ شد طرح افلاکی کردیم ۲ شد از جزء نون دو جزء شمارش کردیم به جزء ۱۶ رسید و بعد از آن جزء ۱۷ بود حافظ جزء حرف ف بود برای مطلوب ن از اتصال عنصری نوشتیم وار صفحه ب ۲ صفحه شمردیم به صفحه ۴ رسید بعد از او صفحه ۵ بود حافظ آن صفحه ه بود برای ب مطلوب نوشتیم از اتصال عنصری همچنین از اتصال مراتبی است جمل عدد هر دو ۳ عدد بود از جزء ن ۳ جزء شمردیم به جزء ۱۷ رسید بعد او که جزء ۱۸ بود حافظش حرف صاد بود در مطلوب ن نوشتیم از اتصال مراتبی عشراتی مطلوب ن حرف ص شد و از صفحه ب ۲ سه صفحه شمردیم به صفحه ۵ رسید ما بعد او صفحه ۶ را گرفتیم حافظ صفحه حرف واو بود برای مطلوب ب از اتصال مراتبی عشراتی و او را نوشتیم بعد از این اتصال عددی مراتبی را به این طریق گرفتیم عدد مراتبی جملی هر دو ۷ بود چون قابل طرح بروجی نبود بطرح کوکبی بردیم یک طرح شد باید تلاقی بشود چون به طرح بروجی نرفت از جزء نون ۷ جزء شمردیم به جزء ۲۱ رسید و مابعد او جزء ۲۲ بود حافظ حرف ت بود نوشتیم همچنین از صفحه ب ۲ هفت صفحه ۹ رسید مابعد آن صفحه ۱۰ بود حافظ آن صفحه ه بود برای مطلوب (ب) از مراتبی عددی نوشتیم چنین شد

ذ	ف	ص	ت
ن			

۱۲۷ س  
۶۱ ظ

اول مطلوب در اتصال را میگیریم یعنی عدد ۴ حرف مستحضره ب را که ۶۱ بود برای مستحصله گرفتن حرف ن میگیریم بدین نحو ۶۱ بدانکه دهگان با یکان اگر عدد اتصال یکان قابل طرح نباشد به هر طرحی که کرده ایم به قاعده کلیه اگر قابل این است که به طرح دیگر ببریم و عدد حرف ما قبل با همان طبع را بر عددش میافزاییم چنانچه عدد ۶۱ را بر طرح منازلی بردیم تا مستحصله حرف خانه ۱۵ رسید حافظ خانه س بود برای مستحصله ن نوشتیم مثال ن ب م ی خواستیم مستحصله حرف باء را بگیریم عدد ۴ حرف مطلوب مستحضره را گرفتیم ۱۲۷۰ بود به طرح منازلی ۱۰ باقی ماند چون به طرح بروجی نرفته بود قابل طرح نبود حالا عدد مابقی نون و ب ۵ بود و ب ۲ باهم ۷ شد با ۱۰ جمع کردیم ۱۷ شدچون ماقبل بطرح کوکبی برده بودیم حالا تلاقی میکنیم برای همین از جهت اینکه قاعده کلی این بود که اتصال عدد مراتبی جملی را به طروح بروجی ببریم و نبودیم چون خواستیم که قاعده بر هم بخورد ایضا" همان عدداتصال که ۷بودبر ۱۱افزودیم ۱۷شد به طرح بروجی بردیم ۵ باقی ماند چنانچه مطلوب حرف ن از جزء ۲۵ صفحه ۱۷ سطر ۱۸ خانه ۲۲ را به ما نشان داده بود از جفر جامع ۵ خانه شمردیم به خانه ۲۷ رسیدیم از جزء ۲۵ صفحه ۱۷ سطر ۱۸ و خانه ۲۷ شد حرف ظ حافظ خانه بود برای مستحصله حرف ی نوشتیم حالا مستحضره ۲ حرف دیگر م ی را میخواهیم مستحضره بگیریم میم و یاء دهگان در دهگان بود علامت سطر و خانه بود ز و ل از اتصال جامع ۳۷۴ بود حاصل طرح در حالی این اتصال است ۴ عدد بود حاصل طرح درجاتی این اتصال ایشان ۱۴ شد و عدد مراتبی آن جملی یعنی از وضعی ۲۳ عدد بود با ۱۴ جمع نمودیم ۳۷ شد به طرح منازلی بردیم حاصل ۹ شد از سطر ۱۳ یعنی م ۹ سطر شمردیم به سطر رسید سطر مابعد او ۲۳ بود حافظ سطر ۲۳ حرف ث بود برای مطلوب سطر م ۱۳ نوشتیم واز خانه ۱۰ ی ۹ خانه شمردیم به خانه ۱۹ رسید خانه ما بعد او ۲۰ بود و حافظ خانه اش ر بود برای مطلوب خانه ی ر نوشتیم واز اتصال عنصری خواستیم مطلوب این دو حرف سطر و خانه را استخراج کنیم که م حرف آتشی بود و ی حرف بادی بود هر دو طالب و مطلوب بودند پس به حکم طالب و مطلوب عمل میکنیم عدد عنصری هر دو ۷ شد قابل طرح فلکی نبود باید تلاقی و تدارک بشود مستحصله گرفتن به طرح کوکبی بردیم یک طرح شد از سطر م ۱۳ به تعداد ۷ سطر شمردیم به سطر ۲۰ رسید مابعد آن سطر را گرفتیم که ۲۱ و حافظ خانه اش حرف ش بود برای مطلوب سطر ۱۳ از اتصال عنصری نوشتیم و از خانه ی ۷ خانه شمردیم به خانه ۱۷ رسید و خانه ما بعد ۱۸ و حافظ خانه اش حرف ص بود برای مطلوب حرف خانه ی از اتصال عنصری به حکم طالب و مطلوب نوشتیم و از اتصال عدد مراتبی

جملی که حکم طالب و مطلوب است خواستیم بگیریم و هر دو دهگان بودند عدد مرتبه دهگانی هردو ۴ شد و چون در قاعده کلیه بود که این اتصال طرح ندارد و از سطر ۱۳ یعنی م ۴ سطر شمردیم به سطر ۱۷ رسید و سطر مابعد او ۱۸ که حافظ خانه اش حرف ص بود مطلوب حرف م از اتصال مراتبی دهگانی جملی ص شد و از خانه ۴ خانه شمردیم به خانه ۱۴ رسید خانه مابعد آن ۱۵ و حافظ خانه اش حرف س بود برای مطلوب خانه ۴ نوشتم حالا از اتصال عددی مراتبی جملی باید به این طریق مطلوب گرفته شود به این نحو م ۴ عدد دال است و ۱ عدد داشت مجموعشان ۵ شد قابل طرح بروجی نبود پس عدد ماقبل هردو را افزودیم ۱۱ شد توضیح حرف ۵ ماقبل داشت حرف م ۶ عدد ما قبل داشت با ۵ جمع کردیم ۱۱ شد. باز قابل طرح بروجی که قاعده کلیه در این اتصال بود پس به طرح کواکبی بردیم که تلاقی و تدارک باید شود ۱۱ را طرح کوکبی کردیم ۴ شد از سطر ۱۳ یعنی م ۴ سطر شمردیم به سطر ۱۷ رسید سطر مابعد ۱۸ بود ص را برای مطلوب سطر م نوشتم واخ خانه ۴ خانه شمردیم به خانه ۱۴ رسید و خانه ما بعد را گرفتیم ۱۵ بود حرف سی را برای حرف خانه ۴ نوشتم

س س ص ز ث

91. □

1

۱۱۱

قاعده کلیه اول حرفی که خانه بود ۴ حرف آن را جمع کردیم ۴۱۰ شد برای مستحصله گرفتن بر حرف م ۴۱۰ را توضیح دو اتصال طرح بروجی و افلاکی که قاعده کلیه بر دو اتصال بر هم خورده بود خواستیم تدارک و تلاقي کردیم چون در هر دو اتصال به طرح کواکبی حاصل گرفتیم پس یک سطر کواکب ۷ عدد حاصل طرح عدد مطلوب هر دو افزودیم چنانچه خواستیم از قاعده مستحضره ی مستحصله م را بگیریم ۴۱۰ عدد به طرح منازلی بردیم چنانچه قاعده کلیه بود حاصل طرح در مستحضره مستحضره باشد ۱۸ شد خواستیم تدارک نماییم اول باید بروجی که اتصال سابق فوت شده بود بکنیم پس به طرح کواکبی برده بودیم عدد طرح کواکبی که ۷ بود بر عدد حاصل مستحضره مستحضره که ۱۸ بود افزودیم ۲۵ شد به طرح بروجی بردیم تا تدارک نماییم حاصل ۱ شد از جزء صفحه ۱۸ سطر ۱۵ که خانه ۱۵ مستحضره ی نشان شد از خانه س که ۱۵ بود ۱ خانه شمردیم به حرف ع ۲۰ رسید که مستحصله حرف م شد بعد خواستیم مستحصله حرف ی را بگیریم عدد مستحضره مستحضره م ۹۸۰ بود طرح منازلی کردیم هیچ نماند که عدد کواکبی را به او بیفراییم و به طرح افلاکی که از اتصال سابق فوت شده بود شود پس عدد طرح کواکبی را افزودیم چون طرح افلاکی که از اتصال فوت شده بود تدارکش واجب بود تا اینکه قاعده کلیه بر هم نخورد. یک طرح تمام را که از طرح منازلی باقی ماند ۲۸ بود طرح افلاکی کردیم تا تدارک نماییم و مستحصله بگیریم پس حاصل طرح مستحضره باشد ۱ عدد باقیماند از جزء ۲۶ صفحه ۲۱ سطر ۱۸ و خانه ۱۸ که مستحضره مستحضره حرف م نشان داده بود یک خانه از ۱۸ شماردیم به خانه ۱۹ رسیدیم و چون دو مرتبه طلاقی داشتیم حرف م بعد آن را گرفتیم حرف ر شد و این حرف مستحصله خانه ی شد :

ی	م	ب	ن	ج	ج	م	ص	مستحضره
ر	ع	ظ	س	ا	ا	س	ح	مستحصله

این هشت حرف مستحضره حکم طالب و مطلوب و موافق بودند که یک حکم بود نوشتیم ولی همچنین نظر کردیم در خانه سوم سطر زمام سؤال این چهار حرف بودند : د ش ص ض اول جزء که د و بعد صفحه که ش در خانه سوم زمام با هم اتصال کرده بودند عدد اتصال کلی آنها ۸۴ شد چون د با ش اتصال نموده بود و چون اتصال به آخر که حرف غ باشد نرسیده بود پس ۲۱ عدد افزویدیم ۱۰۵ شد به طرح درجات که قاعدع کلی این اتصال بود بردیم ۱۵ ماند عدد جزء یعنی ۴ و صفحه یعنی ۲۱ را افزودیم ۲۵ شد با عدد باقیمانده طرح درجات جمع کردیم ۴۰ شد طرح منمازی کردیم که قاعده کلی این اتصال جامع بود ۱۲ ماند از جزء ۴ د باشد ۱۲ جزء شمارش کردیم به جزء ۱۶ رسید ما بعد آن جزء را که ۱۷ بود یعنی ف نوشتیم و همچنین ۱۲

صفحه از جزء ۲۱ ش شمردیم به صفحه ۶ رسیدیم و از اتصال عنصری مستحضره می گیریم . د حرف خاکی بود و ش آتشی با هم طالب و مطلوب و هم طبع نبودند چون مخالف هم بودند عدد مراتب اتصال عنصری آنها را می گیریم. بران که اتصال عنصری ۱۶ نوع است یعنی هر عنصری به چهار قسمت اتصال می کند آب با آب و آتش با آتش باد با باد و خاک با خاک و همینطور هر کدام با دیگری که جمعاً ۱۶ نوع می شود . هر چهار اتصال آنها را یک نوع است یعنی چهار اتصال مخالف و چهار اتصال موافق و چهار اتصال ضد و نقیض و چهار اتصال طالب و مطلوب . این شانزده اتصال عنصری را از هر دو اتصال یک حکم است . چنانچه اتصال موافق و اتصال طالب و مطلوب یک حکم دارد اما اتصال طالب و مطلوب همان بود که عمل کردیم و هشت حرف مستحصله از سؤال بدمست آوردیم و در استخراج مستحصله حروف زمام که گذشت حکم اتصال مخالف یا ضد و نقیض دو حرف د و ش از اتصال مخالفند پس از اتصال عنصری د یک عدد بود خلاف عدد مرتبه عنصری که هفت بود ۵ و ۷ می شود ۱۲ طرح افلاکی کردیم ۳ ماند از جزء ۴ د سه جزء شمردیم به جزء ۸ ح رسید و از صفحه ۲۱ ش سه صفحه شمردیم به صفحه ۲۵ ذ رسید مطلوب د و ش از این اتصال عنصری ح و ذ شد خواستیم اتصال مراتب ده گانه آن دو حرف د و ش را بگیریم از اتصال این بود د حرف یگان بود و ش حرف صدگان عدد مراتبی هر دو ۴ شد قاعده این اتصال طرح ندارد چهار جزء از جزء ۴ شمردیم به جزء ۹ ط رسیدیم و ۴ صفحه از صفحه ۲۱ شمردیم به صفحه ۲۶ ض رسیدیم پس ط و ض از اتصال مرابی دهگانه د و ش بدمست آمد و همچنین از اتصال عددی مراتبی جملی خواستیم مطلوب حاصل کنیم د در مرتبه ۴ بود و ش در مرتبه ۳ جمعاً ۷ شد قابل طرح بروجی نبود هر دو عدد را عدد مرتبه همین اتصال بود افزودیم ۱۶ شد طرح بروجی کردیم ۴ شد از جزء ۴ چهار جزء شمردیم به جزء ۹ رسیدیم که حرف ط بود از صفحه ۴ حرف شمردیم به حرف ز رسیدیم قاعده در اتصال یکان با صدگان این است که اضافه عدد مراتب جملی د و ش از عدد مراتب جملی دو عدد بود ایضاً اضافه عدد مراتب جمل دهگانه مابه التفاوت عددشان ۱ شد که ش اضافه داشت پس همان یک عدد بر عدد حاصل طرح ش که از صفحه شمردیم و به صفحه ظ رسید پس مطلوب آتش از این اتصال ط ظ شد پس حرف مستحضره د به اینصورت شد

ف	ح	ط	ط
---	---	---	---

و	ذ	ض	ظ
---	---	---	---

و مستحضره مستحضره ش که در حروف مطلوب د و ش مستحصله حاصل کنیم د و ش را از جفر جامع استخراج کنیم حاصل مطلوب هر دو را که مستحضره مستحضره نامند به این طریق که عدد مطلوب د ۱۰۶ بود طرح منازلی کردیم ۲۲ شد عدد مطلوب ش ۲۴۰۶ بود طرح منازلی کردیم حاصل طرح از جزء ۶ صفحه ۲۶ خانه ۲۷ شمردیم به جزء ۶ صفحه ۲۵ سطر ۲۷ خانه ۲۸ رسید از خانه ۲۸ ، ۲۶ خانه شمردیم به خانه ۲۶ که حافظ آن ض بود رسیدیم ض مستحصله حرف د شد و همچنین ۲۲ خانه از جزء ۲۲ خانه ۹ شمردیم به خانه ۹ سطر ۱۰ صفحه ۸ جزء ۱۷ رسیدیم که مستحصله حرف ش د شد.

د	ش
ض	د

حالا ص و ض را مستحضره مستحضره می گیریم علامت سطر و صفحه را گرفتیم جمعشان ۵۰۲ شد طرد ذدرجات کردیم ۲۲ شد اعداد سطر و خانه که ۱۸ بود ۲۲ افزودیم ۲۶ ض را هم افزودیم ۶۶ شد طرح منازل کردیم ۱۰ شد از سطر ص ۱۰ سطر شمردیم به سطر الف رسیدیم و از خانه ض ۱۰ خانه شمردیم به خانه ظ رسید و از این اتصال عنصری ص ض هر دو بادی و موافق بودند حکم اتصال موافق عدد مرتبه عنصری این دو را گرفتیم عدد مرتبه عنصری ص ۵ و ض ۷ که جمعاً ۱۲ شد طرح افلاکی کردیم ۳ ماند از سطر ص ۳ سطر شمردین به حرف ت رسید و

از خانه ض ۳ عدد شمردیم به خانه ب رسید از اتصال مراتبی ۵ شد از صاد ۵ سطر شمردیم به خانه د رسید و مطلوب ایشان در این اتصال خ شد و از اتصال دو مراتب جملی ص ۹ و ض ۸ جمماً ۱۷ شد طرح بروجی کردیم ۵ ماند از سطر ض ۵ سطر شمردیم به د رسید و از خانه ض ۵ خانه شمردیم به خانه د مطلوب ایشان از این اتصال نیز خ و د شد مستحضره را در یک خانه نوشتیم بصورت زیر شد :

				مستحضرات ص
د	د	ب	ط	مستحضرات ض

اکنون مستحصله ص و ض را در جفر جامع می گیریم عد مطلوب ض را گرفتیم ۱۹ شد قابل طرح منازلی نبود پس عدد مطلوب ص را گرفتیم ۱۶۱ بود طرح منازلی کردیم ۵ ماند ( چون باقیمانده هر دو عدد فرد می باشد و چون فرد در فرد است و از خانه مطلوب ص ما را نشان داده بود از خانه د ۱۹ خانه شمردیم به خانه ۱۹ که حافظ آن س است رسیدیم و ۱۹ خانه از خانه ای که مطلوب ض ، س را نشان داده بود به خانه ۲۴ خ رسید که مستحصله ض بود نوشتیم ) علت این است که عدد مطلوب ض ۱۹ عدد شد قابل طرح منازل نبود و هیچ طرح نبردیم و همچنین عدد را نگهداشتیم و عدد مطلوب ض را طرح منازل کردیم ۵ شد چون حاصل فرد بود و ۱۲ هم فرد عدد ۱۹ هم فرد به طرح نرفت پس مستحصله هر دو را از عدد مطلوب ض گرفتیم از د ۵ حرف شمردیم . اگر عدد ۱۹ از حرف بعد از خ از ابجد بشماریم به حرف س می رسد همان عدد ۱۹ را از حرف م بشماریم به ح می رسیم ۱۹ را با عدد فرد باقی ۵ جمع کردیم ۲۴ شد طرح بروجی کردیم ۲ طرح شد ۱۲ باقی ماند از حرف خانه مطلوب مستحضره که د است ۱۲ حرف شمردیم به حرف س رسید ۲ مقووم علیه را با ۱۹ جمع کردیم ۲۱ شد از عدد ۵ ۲۱ حرف شمردیم به حرف خ رسید پس چون فرد بود از یک حرف شمردیم برای هر دو مستحصله گرفتیم ۴ حرف مستحصله برای حرف زمام مستحضره گرفتیم

			د
ض	س	ش	د

حالا برای مستحصله ۴ حرف بعدی خانه چهارم ۴ حرفی سؤال اول اتصال غ و ظ را به مستحضره بردیم چنانچه غ از اتصال جامعه عددش ۷۸۳ به طرح درجاتی بردیم حاصل طرح ۳ شد و جزء وصفحه هر دو حرف را عدد حاصل طرح درجاتی هر دو افزودیم ۲۸ و ۲۷ و ۳ را با هم جمع کردیم ۵۸ شد به طرح منازلی بردیم حاصل طرح ۵ و ۲ باقیماند از جزء ۲۸ - ۲ عدد شمردیم به حرف ۳ رسید حرف ج بدست آمد و همچنین ۲ صفحه از صفحه ۲۷ شمردیم از این اتصال ب بدست آمد اتصال جامع کل حرف ج ، ب بدست آمد از اتصال عنصری گرفتیم غ خاکی بود ظ آبی بود هر دو طالب و مطلوبند عدد مراتب عنصری هر دو را جمع کردیم ۱۴ شد طرح افلاکی کردیم ۵ شد پس ۵ جزء از جزء ۲۸ را شمردیم به جزء ۶ رسید که حافظ جزء و شد پس صفحه ۲۷ ، ۵ صفحه شمردیم به صفحه ۵ رسید یم که حافظ آن ه بود از اتصال عنصری این دو حرف و ه بدست آمد و از اتصال مراتب جملی عدد هر دو ۴ عدد بود ۱۰ بدست آمد از جزء ۲۸ ، ۴ جزء شمردیم به جزء ۵ رسید که حرف ه بود از صفحه ۲۷ ، ۴ صفحه شمردیم به حرف د رسید و حروف ه د بدست آمد . غ ظ از اتصال عدد مراتب جملی ۱۰ شد به طرح بروجی بردیم که طرح نداشت پس عدد حروف ماقبل هر دو را افزودم حرف غ ماقبل نداشت و عدد حرف ماقبل ظ ۳۶ بود بر عدد مراتب جملی افروزدیم ۴۶ شد طرح بروجی کردیم حاصل طرح همان ۱۰ شد از جزء ۲۸ ، ۱۰ جزء شمردیم به جزء ۱۱ که حرف ک بود رسیدیم و از صفحه ظ ۱۰ جزء شمردیم به صفحه ۱۰ رسید که حرف ی بود

بدینصورت:

۳۴	ک	ه	و	ج	ه
۲۱	ی	د	ه	ب	ظ

در اتصال این عدد به دو طریق انجام می شود. جزء غ در مرتبه دهگان ۴ بود و صفحه ظ در مرتبه ۳ بود که جمماً می شود ۷ از غ ۷ جزء شمردیم به حرف ح رسیدیم و ۷ حرف از ط شمردیم به ز رسیدیم چنین شد :

۳۴	ک	ح	و	ج	غ
۲۴	ی	ز	ه	ب	ز

قاعده دومی از کلیه میباشد.

حالا ۴ مستحضره اول غ را جمع می کنیم ۳۴ شد به طرح منازلی بردیم ۶ ماند و عدد مستحضره ظ ۲۱ بود قابل طرح منازلی نبود طرح بروجی کردیم ۹ ماند هر حرف را یک عدد گرفته بر باقی افزودیم طرح منازلی نشد ۱۱ عدد از حرف ک و خانه ۱۱ شمردیم به جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۵ خانه ۱۱ ، ۱۱ حرف شمردیم به خانه ث رسید ۶ از غ که ۳۴ بود باقی ماند از جزء ۹ ، ۲ صفحه و ۵ سطر چهارم خانه ۱۰ خانه شمردیم به حرف ۱۶ رسید مستحصله ع شد پس مستحصله غ و ظ ، ث و ع شد از جدول دوم ۳۴ بود ۶ شد و ۲۴ بود غ مستحضره ۳۴ و ظ مستحضره ۲۴ ، ۲۴ را طرح بروجی کردیم ۱۲ شد از جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۵ خانه ۱۱ ، ۱۲ حرف شمردیم به حرف ث رسید از جزء غ که ۶ باقی ماند اول مستحضره ظ = جزء ب صفحه ۵ سطر د خانه ۱۶ عدد شمردیم به حرف ۱۶ حرف ع رسید مستحصله درست عمل شد این قاعده دوم بود هر دو به مراتب اصلی می رستد قاعده عدد خانه ۱۱ با باقی ۱۲ مجموعاً ۲۳ شد که حرفش ث می باشد ۱۰ که خانه مستحضره ظ بود بر ۶ که باقیمانده ۳۴ بود افزودیم ۱۶ شد حرف ع بدست آمد . از اتصال جامع عدد ت و ط ۵۹۷ شد طرح درجات کردیم ۲۷ ماند و این به طرح منازل نرفت عدد را افزودیم ۵۸ شد طرح منازلی کردیم ۲ ماند ۲ خانه شمردیم به سطر ۲۵ که حافظ خانه ذ بود رسید و بعد دو خانه از ط شمردیم به خانه ۱۲ یعنی ل رسیدیم پس مطلوب ت و ط از اتصال جامع ذ و ل شد و از اتصال عنصری خواستیم که مطلوب ت و ط بگیریم ت حرف بادی و ط آتشی و هر دو طالب و مطلوبند عدد مراتبی عنصری هر دو را گرفتیم ۹ شد عدد مراتب ت ۶ بود و عدد مراتب ط ۳ که جمماً ۹ شد طرح افلاکی کردیم ۹ ماند از سطر ت ۹ سطر شمردیم به سطر ۴ حرف د رسیدیم بعد از خانه ط ۹ حرف شمردیم به حرف ق رسید عدد مراتبی جملی را خواستیم اتصال کنیم عدد ت ۳ و ط ۱ جمع کردیم ۴ شد از سطر ت ۴ سطر شمردیم به سطر ۲۷ ظ رسیدیم باری مطلوب ت از این اتصال ظ شد همچنین ۴ خانه از خانه ط شمردیم به خانه ۱۴ ن رسیدیم مطلوب حرف ت از این اتصال مراتب ده گانی ن شد پس این دو حرف ط و ن شد

ت	ذ	ظ	ظ
ط	ل	ق	ن

عدد حروف مطلوبشان ۲۳۰ عدد بود به طرح منازلی بردیم و عدد مطلوب ت ۲۵۰۴ شد اول مطلوب مستحصله ت را استخراج می کنیم به قاعده اول عدد مستحضره ت را که ۲۳۰ است عدد هر دو به طرح منازلی بردیم حاصل مطلوب ت ۱۲ ل شد و حاصل مطلوب ط ۶ و شد . اگر هر گاه در خانه های سطر زمام سوال علامت جزء الف و علامت خانه یکان باشد عدد مابه التفاوت اتصال مراتب جملی آنها را در آخر عدد حاصل طرح آنها می افزاییم و مستحصله هر دو را در آخر از حروف مطلوب یکان می گیرذیم چنانچه در اینجا انجام دادیم اول زمام چهار حرفی غ ظ ت ط

بود عدد مابه التفاوت آنها ۳ بود بر آخر حاصل مطلوب ط که آخرین حرف بود افزودیم ۹ شد بعد ۹ خانه از خانه ای که حرف مطلوب ط ما را نشان می داد یعنی جزء ل صفحه ق سطرن خانه ن ۹ خانه شمردیم به خانه ۲۴ خ رسیدیم مستحصله ت حرف خ شد همچنین از حرف ت ۱۲ بود حرف باز از جزء ل صفحه ق سطرن خانه ن ۱۲ حرف شمردیم به خانه ض رسیدیم تا اینجا ۴ خانه ۴ خانه مستحصله استخراج نمودیم

ط	ت	ظ	غ	حروف زمام مستحضره
ض	خ	ع	ث	مستحصله

کل مستحصله سؤال : اسم وصی بلا فصل محمد بن عبدالله چیست ؟

خانه چهارم	خانه سوم	خانه دوم	خانه اول	خانه ها
ط	ظ	ض	ج	زمام مستحضره
خ	ع	س	ا	مستحصله

حالا شروع به گرفتن مستحضره خانه پنجم سطر زمام می کنیم :

حروف خانه پنجم سطر این دو حرف

جزء	صفحه	سطر	خانه
ج	غ	ز	ع

بود پس خواستیم که مستحصله دو حرف اول جزء و صفحه بگیریم یعنی حروف ج و غ از اتصال کلی عدد اتصالات جامعه ج غ ۸۴ بود طرح درجاتی کردیم ۲۴ شد پس عدد جزء و صفحه را افزودیم ۵۵ شد طرح منازل کردیم ۲۷ شد بعد ۲۷ جزء شمردیم به جزء ۳ و از صفحه غ ۲۷ جزء شمردیم به غ رسید پس مطلوب ج ، ج و غ ، غ شد و از اتصال عنصری ج آبی و غ خاکی که هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند بعد عدد مراتب عنصری هر دو را گرفتیم ۷ شد قابل طرح افلاکی نبود عدد مراتب عنصری حرف ماقبل را افزودیم ۲۹ شد به طرح افلاکی بردیم ۲ ماند از جزء ج ۲ جزء شمردیم به جزء ۶ و رسید از صفحه غ ۲ صفحه شمردیم به صفحه ۳ رسید از اتصال مراتب جملی ج و غ ۵ عدد بود چون این اتصال طرح نداشت ۵ جزء از جزء ج شمردیم به جزء ۹ رسید و از صفحه ۲۸ ، ۵ صفحه شمردیم به صفحه ۶ و رسید مطلوب ج و غ از این اتصال مراتبی جملی ده گانه ط، و شد و از اتصال عدد مطلوب جملی ج ، غ ۴ عدد بود قابل طرح بروجی نبود عدد ما قبل را افزودیم که غ حرف ما قبل نداشت عدد ما قبل ج را افزودیم ۷ شد قابل طرح بروجی نبود طرح کواکب کردیم تا به آن تلاقی و تدارک کنیم یک طرح کامل شد چون ج و غ یکان با الف بود پس عدد ما به التفاوت اتصال عدد مراتب جملی ۱ یکان عدد د است و غ ۴ عدد سه عدد زیاد داشت و ج از عدد مراتب جملی ۳ عدد داشت و غ ۱ عدد ، ۲ عدد زیاد داشت و ج از عدد مراتب جملی ۳ عدد است و غ ۱ عدد ، ۲ عدد زیاد داشت و ما به التفاوت ۲ و ۳ ، یک عدد بود که بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جملی که ۷ بود افزودیم ۸ شد از جزء ج ۸ جزء شمردیم به ل رسید بعد ۸ صفحه تاز صفحه ۲۸ شمردیم به ط رسید .

جدول احکام اقسام ۱۶ گانه :

اتصال مراتب	۱۰	۵	ج ت	و ث	ع	صدگان صدگان
یکان بیکان	۵ و	ک س	ل ح ش	د ع	ع	ث
دهگان بدھکان	۴ ق	ر غ	اف	م و ع	ع	ک س
صدگان بصدگان	۴ ع ح	ف	ام ن	ق ک ل	غ	اب ن

از این ۱۶ نوع را یک حکم است و ۴ نوع را یک حکم دیگر و ۲ نوع آخر را نیز حکمی دیگر اما ۱۰ نوع اول مثال: یکان و یکان، یکان و دهگان، دهگان و یکان، دهگان و صدگان، صدگان و دهگان، صدگان و صدگان، صدگان و هزارگان، هزارگان و یکان.

این ۱۰ نوع همان عدد مرتبه آنها گرفته میشود و به طرح میرود اگر قابل طرح نبود عدد مرتبه ماقبل آنها را میافزایند و به طرح میبرند و اگر پس از عدد ماقبل باز به طرح نبود به طرح دیگر ببرید و هنگام گرفتن مستحصله تدارک این طرح فوت شود ما اگر دو حرف ماقبل نداشته باشیم از همان عذر مرتبه خودشان مطلوب میگیریم و در وقت گرفتن مستحصله از جفر تلاقي میکنیم آن ۴ نوع دیگر حکمshan اینست: یکان و صدگان ، دهگان و هزارگان ، صدگان و یکان ، هزارگان و دهگان ، بعلت اینکه این ۴ اتصال یک مرتبه دورند حکم این ۴ قسم این است که هر یک از آن دو حرفی که از این ۴ نوع هستند عدد مراتب جملی آنها نیز گرفته عدد ما به التفاوت مراتبی ایشان بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جملی ایشان افزایندو حرف مطلوب بگیرند.. اما از ۲ نوع دیگر که در حکم دیگر است این است یکان و هزارگان و یکان بعلت اینکه این ۲ اتصال ۲ مرتبه از هم دورند حکم دو نوع این است که هر یک از آن دو حرف که از این ۲ نوع عدد مراتبی جملی آنها را گرفته و عدد عدد مراتب جملی ایشان را نیز گرفته عدد ما به التفاوت مراتب آنها را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جملی آنها را افزایند مطلوب بگیرند و پس از گرفتن مطلوب یعنی مستحضره مستحضره هنگام گرفتن مستحصله نیز همین عدد مابه التفاوت آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آن افزایند و پس از آن مستحصله گیرند . فرق این ۲ نوع با این ۴ نوع اینستکه چون این ۲ نوع ۲ مرتبه از هم دورند پس ۲ مرتبه عدد مابه التفاوت آنها را بر عدد حاصل طرح آنها بیافزایند هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال عدد مراتب جملی و یکی هنگام گرفتن مستحصله از خلاصه عدد حروف مطلوب و آن ۴ نوع است چون یک مرتبه از هم دورند یک مرتبه عدد مابه التفاوت آنها را بر عدد حاصل طرح آنها افزایند که همان هنگام گرفتن مطلوب در اتصال عدد مراتبی جملی باشد چون انواع و احکام اتصالات

گرفتیم به این طریق قاعده کلیه مستحصله استخراج کنیم.

شمردیم به طرح ۱۲ ل هم رسید و مطلوب ز از این اتصال حرف ل شد و ۴ خانه از خانه ۱۶ ع شمردیم به خانه ۲۱ ش رسید پس ل ، ش برای ز ، ع از اتصال عنصری مطلوب حلا از اتصال مراتب جملی ز ، ع یکان در دهگان بود عدد مراتب ز ۱ عدد مراتب ۴ د ، ۲ بود جمعا" ۳ شد چون طرح نداشت پس ۳ سطر از سطر ۷ که ز بود شمردیم به خانه ۱۱ ک رسید ایضا" و ۳ خانه از خانه ۴ شمردیم به خانه ۲۰ ر رسید و از اتصال مراتب جملی ز ، ع مطلوب ک ، ر شد حلا از اتصال عددی مراتب جملی عدد مراتب جملی یکان و دهگان بود ز در مرتبه ۷ بود و ع نیز در مرتبه ۷ بود جمعا" ۱۴ شد به طرح بروجی بردیم ۲ ماند از سطر ز ۲ سطر شمردیم به سطری رسید از خانه ع ۲ خانه شمردیم به خانه ق رسید ی، ق شد از اتصال عدد مراتبی جملی این مستحضره مستحضره بدست آمد برای ز ۴ حرف و برای ع ۴ حرف کامل بدست آمد

مستحضره حرف ز	ک	ل	ک	ی	۸۰	مستحضره حرف ع	ر	ش	ر	۸۰۰
---------------	---	---	---	---	----	---------------	---	---	---	-----

اول عدد ز ۸۰ شد و عدد مطلوب ع = ۸۰۰ شد خواستیم مستحصله ز را بگیریم از حاصل عدد مطلوب ع ۱۶ ماند تلاقی اتصال عنصری که ۷ بود و عدد ماقبل را گرفته بودیم و طرح کردیم عدد طرح شده را بر حاصل مطلوب ع که ۱۶ بود افزودیم ۲۳ شد پس از همان خانه که حرف آخر مطلوب ع که حرف ق بود ۲۳ خانه شمردیم از جفر جامع به خانه ۱۵ س رسیدیم پس مستحصله ز، س شد و حلا برای ع مستحصله میگیریم عدد مطلوب ز که ۸۰ بود و حاصل طرح آن ۲۴ بود به این طریق که به تلافی طرح اتصال کلیه که فوت شده بود و ۲ طرح بروجی نموده بودیم همان ۲ طرح را افزودیم ۴۸ شد به طرح منازلی بردیم حاصل طرح ۲ شد از خانه که ۴ حرف مطلوب ص ما را نشان داده خانه شمردیم جزء ۱۱ صفحه ۱۲ سطر ۳ که حافظ خانه حرف ج میباشد رسید حلا مطلوب ص ،خ ،ث ،ط آخرین را مثال بیاوریم که کافی باشد مطلوب ص و خ در اتصال کلی جامع و اتصال عنصری و مراتبی جملی و عدد مراتی ۸ حرف بدست آوردیم.

مستحضره حرف ص	ذ	ث	خ	ت	۲۲۰۰	مستحضره حرف خ	ج	ا	ب	غ	۱۰۰۶
---------------	---	---	---	---	------	---------------	---	---	---	---	------

خواستیم مستحصله حرف ص را از مطلوب خ بگیریم عدد مطلوب خ ۱۰۰۶ بود حاصل طرح ۲۶ شد از خانه مطلوب خ که ما را نشان داده بود شمردیم به خانه ۲۶ سطر سوم گرفتیم که حرف ص را ص مستحصله شد حلا برای خ مستحصله میگیریم عدد مطلوب ص ۲۲۰۰ بود حاصل طرح ۱۶ شد نا به التفاوت مراتب جملی و عددی مراتبی جملی هر دو ۲ عدد بود اضافه کردیم ایضا" حرف مطلوب خ شمردیم به خانه ۱۴ حرف ط رسید و مستحصله خ ط شد.

#### توضیحات اضافی :

اگر عدد طرح اتصال کلی قابل طرح منازلی نباشد به طرح بروجی میبریم چون ن و ب ،ر و ع عمل شد بعد از آن موقع مستحصله گرفتن از ۴ حرف مستحضره پس از آنکه به طرح منازلی بردیم همان عدد طرح شده یعنی ۲ طرح یا یک طرح که از اتصال کلی طرح شده و قابل طرح منازلی نبود بر بقیه عدد مستحضره اضافه کردیم که قابل طرح منازلی بشود بعد به طرح منازلی بردی و مستحصله بگیرید یا از ما قبل عدد فرض کرده اضافه کنید که قابل طرح منازلی شود بعد به طرح منازلی بردی یا در عدد مستحضره زع در اتصال مخالف عنصری عدد توالی اولا" و عدد عدم توالی ثانیا"اگر به طرح ۹ رسید فنעם المطلوب به وضع کلام هر دو را میتوانیم جمع کنیم و به طرح بردی و اگر نشود به طرحهای دیگر یا به همان عدد که حاصل شد حرف میگیریم و بعد از مستحضره تلافی طرح فوت شده را میکنیم .

نکته:

اگر عدد ۲ حرف مخالف به طرح رفت و ناطق نشد بعد از تمامیت مستحصله به طرح ۷ برد و تلاقي کنید در مستحصله از هر مسمی که ما به التفاوت دارد و اگر باز ناطق نشود هر عدد که از همین عنصر مخالف کمتر از ۷ باشد جمع باید کرد و حروف گرفت و در مستحصله تلافي میکنیم و از مطلوبش نیز بدهید که ناطق شود.

نکته:

اگر در ۲ حرف اتصال از ۴ حرف ۲ تلاقي لازم داشته باشید میتوان ۱ تلاقي در این ۴ حرف قرار داد و یک تلاقي در ۴ حرف دوم که ناطق بشود.

نکته:

اگر عدد ما به التفاوت از یک سمیت باشد آن اخذ باید کرد و اگر تدارک دارد تدارک میکنی و از آن حرف ی که تفاوت دارد بقیه التفاوت را بهمان عدد از حرف مطلوب سیر بدهید و مستحصله را از مطلوب بگیرید و این مطلب را از حرف ذ ز میتوان درک نمود.

نکته:

در جمع اتصال عنصری موافق و مخالف چنین قاعده نداشت و ندارد اگر عدد مرتبه ۲ حرف قابل طرح دیگر هست به طرح دیگری میباید و الا عدد ماقبل یا مابعد را اضافه کرده و به طرح ببرید.

نکته:

اگر اتصال یکان و صدگان یا یکان با هزارگان از هر دو سمت مابه التفاوت نداشته باشدواز یک سمت داشته باشد همان یک سمت را گرفته کمافی ذ ز پس اضافه کرده و اگر ۵ تفاوت ندارد از هم در میرویم.

نکته:

از غیر غالب در اتصال یکان و صدگان و اتصال مراتبی جملی بعد از اضافه ما به التفاوت اگر باشد در آخر طرح از مستحضره باید از آخر مطلوب یکان شروع به شمارش کنید و مستحصله بگیرید چون ت ط و در د ش تخلف نمودیم چون ضد و نقیض بودند باید جهت تخلف نمودیم.

نکته:

اگر عدد مستحضره از ۲۸ کمتر باشد چون مستحضره غ ظ که ظ ۲۱ آمد این عدد ناطق شد در ص ذ گفته شد قاعده مستحضره ذ از ۲۸ کمتر است همان عدد ۲۸ را به نطق در آورد دیگر اورا به طرح کوکبی و افلاکی نیاید در هر دو حال آنکه به طرح منازلی که قاعده اش بود رفت.

نکته:

در جایی که محتاج یتلافی است اولا" عدد ۴ حرف را باید گرفت و به طرح منازلی برد پس آنکه باقی ماند عدد طرح را بر این عدد باقی اضافه کنند تلافي کنند.

نکته:

در اتصال مخالف عنصری اگر به توالی بردی و طرح کردی بقاعده ناطق نشد برگردد حروف عنصر از عدم توالی بگیرید باز اگر ناطق نشود از عدد توالی و عدم توالی هر دو را جمع کرده اگر به طرح رسید طرح کنید و اگر نرسید به طرح از همان عدد حرف گرفته و بعد تلاقي کنید که ناطق بشود.

نکته:

اگر عدد مستحضره معادل یک طرح منازلی بشود که ۲۸ باشد و یا با عدد طرح کوکبی باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کوکبی را نباید اضافه بر ۲۸ نمود بلکه باید همان عدد ۲۸ فقط را به طرح افلاکی ببریم بدون علاوه عدد کوکب تاتلاقی شود کما فی می.

نکته:

در اتصال مراتب جملی اگر عدد هر دو حرف قابل طرح بروجی نباشد عدد ماقبل را به او میافزاییم اگر چه عدد ماقبل بعد از طرحش همان ۱۲ ماند چون ظ در ایقون که ماقبل ۳۶ و ۳۶ را ۱۲ و ۱۲ طرح بنماییم همان ۱۲ میماند در غ ظ گفتیمنه اینکه بگویی حالا که عدد ماقبل بعد از طرح بروجی جزی نمیماند پس عدد خود دو حرف را بدون عدد ماقبل به طرح دیگری ببرید یعنی چنین نکنید و کذلک در اتصال دو حرف عنصری چنین است.

نکته:

در می چون در دو اتصال طرح بروجی و افلاکی که قاغده کلیه بود بهم خورده بود خواستیم تدارک تلاقي کنیم چون هردو در اتصال طرح بروجی و افلاکی که قاعده کلیه بهم خورده بود چون در هر دو اتصال به طرح کوکب حاصل طرح گرفتیم لهذا یک طرح کوکب ۷ عدد بر حاصل طرح عدد مطلوب هر دو افزودیم.

نکته:

اتصال مراتب جملی دهگان با یکان چون ب به هر طرح که قاغده کلیه تقاضا میکردی ببریم یعنی ب از اضافه کردن عدد ماقبل آن حرف را میافزاییم و طرح میکنیم و اگر ماقبل ندارد عدد مابعدش را که ۲۷ است کافی العنصر میافزاییم با همان طبع که ۶ حرف دیگر است یعنی در اهطم میافزاییم و به طرح میبریم.

نکته:

در حروف مستحضره اگر محتاج به اسم تلاقي درجی مثل "عدد اتصال مراتب جملی هردو و عدد حروف مستحضره با ۲۴ مثل" بود که قابل تلافي نشود میتوان همان عدد ۲۴ را تلافی و طرح حرف گرفت به همان عدد و نطق داد چنانچه در عمل معلوم است اگر قابل این است که به طرح دیگر ببریم میبریم و بعد تلاقي با صدگان مینماییم کما فی ب ب و این مطلب از جدول مرقوم آخر نکات است.

نکته:

در ز ع گفتیم چون عدد اتصال عنصری ز ع ۶ بود قابل طرح افلاکی نبود و ۷ عدد از ماقبل ز ع اخذ کردیم و به عدد عنصری ز ع افزودیم ۱۳ شد ۹ طرح ۴ باقیماند گرفتیم در مستحصله تدارک کرد به این نوع ذکر کردیم که عدد ع ۱۶ بود تلاقي اتصال عنصری که ۷ بود حرف ما قبل را گرفتیم طرح کردیم این ۷ عدد طرح شده را بر عدد حاصل طرح مطلوب ع که ۱۶ بود زیاد کردیم ۲۳ عدد شد پس از همان خانه مستحصله میگیریم.

## نکته:

در اتصالات صدگان و دهگان چون ض و ص مطلوبی معین گفته ایم که عدد مطلوب ض بعد از طرح ۱۹ بود  
قابل طرح منازلی نبود لهذا به هیچ طرح نبردیم و همچنین عدد را نگهداشتیم و عدد مطلوب ص طرح منازلی بر دیدیم  
حاصل طرح ۵ شد چون حاصل طرح که ۵ بود فرد بود و ۱۹ هم فرد بود و ۱۹ بیشتر و به طرح نرفته بود لهذا  
مستحصله هر دو را عدد مطلوب ض گرفتیم.

## جدول عنصري، مخالف و ضد و نقیض؛ عدد ماقبل افلاکی، شود.

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	
ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا	
ض	ت	ص	ن	ي	و	ب	
ظ	ث	ق	س	ك	ز	ج	
غ	خ	ر	ع	ل	ح	د	
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	عدد مابعد

### جدول عدد مراتبی ما قبل و ما بعد ندارد.

۳۶	۲۸	۲۱	۱۵	۱۰	۶	۳	۱	
ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی
ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ف

دواییر ثلاث: این دواییر در قاعده اتصال کاربرد دارد.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	
ناظیره	ض	ص	ث	ح	ن	ق	ر	ل	د	ب	ز	م	ع	ت	ظ	غ	ذ	ف	ط	ی	س	ش	ه	و	ک	ج		
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

## جدول طالب و مطلوب و موافق:

## جدول جامع کل:

۳۹۲	۳۶۴	۳۳۶	۳۰۸	۲۸۰	۲۵۲	۲۲۴	۱۹۶	۱۶۸	۱۴۰	۱۱۲	۸۴	۵۶	۲۸
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	۵	د	ج	ب	۱
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
۷۸۴	۷۵۶	۷۲۸	۷۰۰	۶۷۲	۶۴۴	۶۱۶	۵۸۸	۵۶۰	۵۳۲	۵۰۴	۴۷۶	۴۴۸	۴۲۰

## اشتراک جامع کلی

ص - م = ج ص  
ج - ج = ک - ک  
ن - ب = ۱۰-۲۲ = ذ  
م - ی = ذ ت  
د - ش = ف و  
ص - ض = ا ط  
غ ظ = ج ب  
ت ط = ذ ل  
ج غ = ج غ  
زع = ۱۲-۲۷ = ک ر  
د ر = س ج  
ح - ف = ط ص  
ص - ی = ذ ف  
ذ ز = ش ج  
ص خ = ذ ج  
ث ط = ذ ک

اشتراک جامع کلی بر اساس دانسته های خودمان درست است .

## اتصال عنصری

ص م = باد و آتش = طالب و مطلوب = ۹=۴+۵ = غ ث  
ج ج = اب آب = متماثل = ۱ + ۱ = ۲ = ۹-۲۹ = ۲۷ + ۲ = و و  
ن ب = باد و باد = متماثل = ۴ + ۱ = ۵ = ۹-۶+۵ = ف ۵  
م ی = آتش باد = طالب و مطلوب = ۷=۹-۱۶ = ۶+۳+۴ = ش ص  
د ش = خاک و آتش = مخالف = ۳=۹-۵+۷ = ح ذ  
ص ض = باد و باد = متماثل = ۷+۵ = ۱۲ = ت ب  
غ ظ = خاک و آب = طالب و مطلوب = ۵=۹-۷+۷ = و ۵  
ت ط = باد و آتش = طالب و مطلوب = ۶+۳ = ۹-۳ = د ق  
ج غ = آب و خاک = طالب و مطلوب = ۲ = ۹-۲۱ = ۸+۲ = و ج  
زع = آب و خاک = طالب و مطلوب = ۴=۹- ۷ + ۴ + ۲ = ل ش  
د ر = خاک و خاک = متماثل = ۱ = ۵ + ۵ = ۹-۶+۶ = ح خ  
ح ف = خاک و آتش = مخالف = ۵ + ۲ = ۶+۲ = ۸= ف ض  
ص ی = باد و باد = متماثل = ۳ + ۵ = ۸= ۹-۴+۴+ ۸ = ض ص  
ذ ز = آتش و آب = ضد و نقیض = ۱+۳+۱ = ۳= ۹-۲+۶+۳ = ک  
ص خ = باد و خاک = ضد و نقیض = ۴= ۹-۷+۶ = ث ا  
ث ط = آب و آتش = ضد و نقیض = ۷ = ۹-۴ + ۲= ض ل

**احکام متماثل** = عدد عنصری دو حرف را جمع می کنیم و به طرح ۹ می برمی که به طرح نرفت دو حالت دارد: اگر دو حرف ماقبل نداشت عدد کل مراتب را اضافه می کنیم اگر داشت مابعد اولی و ماقبل دومی را اضافه می کنیم اگر دومی ماقبل نداشت عدد خودش را اضافه می کنیم و بعد در وقت مستحصله نمودن طرح ۹ را تلافی می کنیم.

**احکام طالب و مطلوب** = عدد عنصری دو حرف را جمع می کنیم و به طرح ۹ می برمی اگر دو حرف به طرح نرفت عدد حروف ماقبل را به آن اضافه می کنیم و بعد به طرح می برمی.

**مخالف** = اگر نخورد باید عدد ماقبل را باهم جمع کنیم و بعد به طرح برمی.

**ضدونقیض** = قاعده ضدو نقیض بر خلاف سه دسته دیگر باید عدد توالی عنصری را جمع می کنیم و بعد به طرح می برمی.

### اتصال مرتبه ای اول

عدد مراتب یکان دهگان صدگان هزارگان حروف را با هم جمع می کنیم و بعد از حروف می شماریم.

ص م =  $4=2+2=3$  ص

ج ج =  $2=1+1=3$  و

ن ب =  $3=1+2=2$  و

م ی =  $4=2+2=3$  س

د ش =  $4=3+1=3$  ط ض

ص ض =  $5=3+2=4$  خ د

غ ظ =  $7=4+3=4$  ح ز

ت ط =  $4=1+3=4$  ظ ن

ج خ =  $5=4+1=4$  ط و

زع =  $3=2+1=3$  ک ر

در =  $4=3+1=4$  ط ذ

ح ف =  $3=2+1=3$  ل ش

ص ی =  $4=2+2=3$  س

ذ ز =  $4=1+3=4$  ب ل

ص خ =  $5=3+2=4$  خ ب

ث ط =  $4=1+3=4$  غ ن

### اتصال مرتبه ای دوم

ص م = دهگان دهگان =  $1=12-4+9=1$  ر س

ج ج = یکان یکان =  $3=12-3+3+3=12$  ع ع

ن ب = دهگان یکان =  $5=7-2+5=7$  ت ی

م ی =  $4=1+4=5=6+5=11=6$  ص س

د ش = یکان صد گان =  $4=12-16=4+2+3+3=4$  ط ض

ص ض = دهگان صدگان =  $9=12-8+9=5=12-8+9=5$  خ د

غ ظ = هزارگان مات =  $1=10=12-36+0+9+1=10$  ک ی

ت ط = صدگان یکان =  $4=12-28=4+8+3+9=4=4$  ظ ن

$$\begin{aligned}
 & ج\ خ = يکان هزارگان = 1+1+3 = 8 = 1+2+7 = 1+7-7 = 1-7+2 = 1-7 = 1 \\
 & زع = يکان دهگان = 2 = 1-7+7 = 12-7 = 5 \\
 & در = يکان صدگان = 2 = 12-14 = 4+1+3+2+4 = 12-12 = 0 \\
 & حف = يکان دهگان = 4 = 12-8+8 = 4+12-8 = 16 \\
 & صى = دهگان دهگان = 1+9 = 10 = 12-36+1 = 12-36 = -24 \\
 & ذز = صدگان يکان = 6 = 12-30 = 4+6+6+7+7 = 28-30 = -2 \\
 & صخ = دهگان صدگان = 3 = 12-6+9 = 12-6 = 6 \\
 & ثط = صدگان يکان = 6 = 12-30 = 4+8+4+9+5 = 26-30 = -4
 \end{aligned}$$

الف	مات	عشرات	آحاد	
---	--	-	-	آحاد
--	-	-	-	عشرات
-	-	-	--	مات
-	-	--	---	الف

آبی: عدد افلاکی را جمع می کنیم به طرح ۱۲ می بریم. اگر نرفت کلیه اعداد ماقبل را اضافه می کنیم. اگر نرفت به طرح دیگر (۷ یا ۴) می بریم اگر نرفت همان عدد را می گیریم و در مستحصله تلا فی می کنیم.

قرمز: عدد افلاکی را جمع می کنیم و به اضافه عدد ماقبل می کنیم و بعد از آن جمع عدد مراتب را اضافه می کنیم. (ماقبل یعنی عدد افلاکی حرف گذشته که ۱ عدد ماقبل ندارد)

سبیز: عدد افلاکی را جمع می کنیم بعد مجموع اعداد ماقبل آحاد را اضافه می کنیم و به طرح ۱۲ می برمیم اگر نرفت طرح ۷ می کنیم و بعد به طرح می برمیم و در وقت مستحصله تلافی می کنیم و بعد از آن عدد ۱ را به جهت فاصله این دو از هم اضافه و سپس به آن عدد از هر دو حرف می شماریم.

حروف ص م: در ص به همان عدد شمرده است و یکی جلوتر نگرفته است و برای م باید حرف ی یا ط می شده که باید حشدن آن بررسی شود احتمال می رود که آن را از شمرده باشد تا از س.

حروف ج ج : در ج ۲ را به خاطر اینکه به طرح نرفته بود و ۲ بود در طرح افلاکی اضافه نمودیم .

## حروف ن ب :

می: در جمع اعداد از حرف اول بعد از شمارش یکی جلوترش را گرفتیم ولی برای حرف دوم خود همان حرف را گرفتیم.

ص.ض: چون به اعداد ۵ و ۱۹ رسید و هر دو فرد بودند و ۱۹ به طرح نرفته بود آن را گرفتیم و از هر دو به عدد ۱۹ شماردیم.

غ ظ : ۹ را به اضافه ۳۶ کردیم شد ۴۵ طرح ۲۸ بردیم شد ۱۷ و آن را طرح ۱۲ بردیم شد ۵ و این کار را به دلیل این کردیم که حرف بعدش به طرح ۲۸ نمی رفت و بعد از آن ۲۴ را طرح ۱۲ نمودیم ۱۲ شد و شمردیم .

